

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۶ صفحه

۸۰

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیستها (۳) صفحه ۱۵
- جنگ، بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران! صفحه ۳
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۹) صفحه ۹
- با جنیم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۱) صفحه ۶
- پاسخ به نامه‌ها صفحه ۱۳

گرامی باد خاطره سه پیکارگر قهرمان





رفیق منوچهر نیک اندام



رفیق محمد علی اشرفی



رفیق شکرالله دانشیار

جمهوری دموکراتیک خلق

پیکارگران شهید رفقا محمد اشرفی و منوچهر نیک اندام چگونه محاکمه شدند؟ صفحه ۲۱

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادار در خارج از کشور صفحه ۱۱

جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب صفحه ۵

انتخابات آمریکا و ریاست جمهوری ریگان

رونا لدریگان نماینده جدید امپریالیسم کسب ۵۱ درصد آرا در انتخابات آمریکا پیروز شد و با حمایت مستقیم بخشی از سرمایه مالی، با تبلیغات گسترده ۴۴۳ روزنامه آمریکا بی (۱) از میان یکپار (که با تیراژ ۱۷/۵ میلیون نسخه میباشند) عوام غربی هسای بشمار بر سر کار آمد تا بعد از چهار سال آتی، امپریالیسم خونخوار آمریکا و تمام جناح فاشیست را نمایندگی کند.

بقیه در صفحه ۲

هیئت حاکمه و جنگ قدرت بر سر رادیو - تلویزیون

صفحه ۲۶

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!

صفحه ۷

محاکمه ساداتی توطئه‌ای دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

صفحه ۲۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

زمینه‌ای که پیروزی ریکان جنا بنگار را بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه بر کارتر جنا بنگار رهوا رنمود، از یکسو گسترش بحران اقتصادی و زلزد میازات زحمتکشان و اقلیتهای ستمدیده سیه پوست و سرخ پوست آمریکا و از سوی دیگر شکستها و مشکلات امپریالیسم آمریکا در عرصه جهانی بود. در حال حاضر بحران اقتصادی که جهان امپریالیستی را در بر گرفته در آمریکا نیز عمق یافته است بعنوان نمونه در چهار سال پیش نرخ تورم ۲۴ بود و حال آنکه در شرایط کنونی به ۱۲/۲٪ افزایش پیدا کرده است. به علاوه در چهار سال گذشته تعداد بیکاران به ۲ میلیون نفری رسید و حال آنکه در شرایط حاضر ۸ میلیون نفر بیکار در آمریکا وجود دارد. بهر واضح است که در دست رفتن راههای تر است هسا و انحصارات و بحران اقتصادی موجود نا رضایتی ها و مبارزات نمیتوانست رشد پیدا نکند، در عرصه بین المللی مبارزات خلقها شکستهای متعددی را به امریکای با نیکی تحمیل کرد. مبارزات دلار را نه خلقهای ایران و ازبکستان رفتن رژیم سلطنتی شاه مزدور، مبارزات قهرمانان مردم نیکاراگوئه و شویو سوموزای دیکتاتور... ضربات سنگینی بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت و اما قهرمانان گروگانگیری حاسومان آمریکایی در تهران، رقابت طلسمی های سومال امپریالیسم لشرکتی اش به افغانستان دولت کارتر را با مشکلات مشخصی روبرو ساخت.

با توجه به این مسائل اهمیت که حزب جمهوریخواه به تبلیغات امپریالیستی، گسترده دست زده، کارتر را مسئول تمامی این معضلات نشان داده و زمینه پیروزی کاندید خود را فراهم می آورد. در واقع پیروزی ریکان بر کارتر، پیروزی یک گروه بندی مالی بزرگروهبندی مالی دیگر و پیروزی سیاست امپریالیستی فشار بر ایران و مستقیم بر سیاست امپریالیستی فشار بر یوش عوام مغربانه "حقوق بشر" میباشد. حقیقت آنکه هیچ تفاوت کیفی میان سیاست دولت کارتر و سیاست دولت ریکان وجود ندارد. سیاست هر کدام از اینان، سیاست سرمایه مالی یعنی سیاست تحسار و غارتگری و توسعه طلبی امپریالیستی است. آنچه که این دوسا است را از یکدیگر جدا میازد این است که میان این دوسا است گروه بندی های مالی مختلف می باشند. ویژگی سیاست کارتر در آنست که در جایی که جنبش شده ای رشد یافته، به مآزهای طبقاتی جدید روی می آورد این سیاست در پی آنست تا از این راه از اوج گیری مبارزه طبقاتی و انقلاب جلوگیری کرده و بدین صورت جنبش خلقها را سرکوب نماید. اما یک لحظه نباید دید که تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی افتاد که گویا امپریالیسم آمریکا برای

حفظ منافعیش، در زمان دولت کارتر به سرکوب مستقیم و مداخله نظامی نپرداخت. تجاوزگرها و جنایات امپریالیسم آمریکا در زمان کارتر سر عریان تر از آنند که بتوان آنها را پوشاند. کودتای آمریکا در ترکیه و بولیوی و غیره، مسلح نمودن مداوم اسرائیل صهیونیست و کشتن فلسطینیها در جنوب لبنان، مسلح نمودن رژیم شاه خائن و کشتارهای متعدد شده های خلق ما توسط ارتش آمریکایی، مسلح نمودن دیکتاتوری سوموزا و کشتار خلق نیکاراگوئه، تسلیح رژیم فاشیستی کره جنوبی و سرکوب توده ها و دانشجویان این کشور، حمایت فعال از رژیم مارکسوس و سرکوب نیروهای مترقی، حمایت نظامی و سیاسی همه جانبه از رژیمهای دیکتاتوری - نظامی برزیل، آرژانتین و دیکتاتوری پینوشیه فاشیست و... همه و همه شاهدان مدعا است.

اما سیاست ریکان عربیان و نروید و از او مغربی های حقوق بشر کارتر است. در گذشته ریکان جزو مخالفین سرخست برخ پوستها یا هیوستها و از ضد کمونیستهای قهار بوده است. او با جملات مرتجعانه و بیشتر مانع خود به نیروهای کمونیست و مترقی و کارگران و در واقع با نوکری کامل بورژوازی امپریالیستی حاکم از حرفه هنریشگی به سخنگوی جناح "سرخست حزب جمهوریخواه" تبدیل شد. او در سال ۱۹۶۴ برای پیروزی گلدواتر، این جنگ طلب معروف، به شدت فعالیت می نماید و با لایحه بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه معرفی گشته و با زور سرمایه و تبلیغات بخشی از سرمایه مالی امپریالیسم آمریکا پیروز میشود. برای شناخت از چگونگی پیروزی او همین اندازه کافی است که بگوئیم در طول انتخابات ۸۷٪ از کمپانیهای عمده آمریکایی و ۶۷٪ از کمپانیهای متوسط آمریکا به ریکان پشتیبانی کرده و برای پیروزی میلیونها دلار پول خرج کردند. "سازمان ملی تفنگکار یک موسسه امپریالیستی بوده و موافق گسترش فعالیتهای نظامی و تسلیحاتی است، برای پیروزی ریکان یک میلیون دلار خرج نمود. بدین ترتیب آشکارا روشن است که ریکان مانند کلیه روسای جمهور آمریکا نماینده غارتگران، جنگ افروزان، جنا بنگاران بین المللی و در یک کلام نماینده مستقیم بخشهای مختلف سرمایه مالی میباشد. از این جهت آنچه در مورد حامیان مستقیم ریکان باید گفت اینست که او توسط گروه بندی مالی امپریالیستی که در زمینه نظامی، نفت، صنایع الکترونیک و زمین بازی فعالیت دارد حمایت شده و بقدرت رسیده است. این گروه بندی همان بخش از سرمایه مالی است که نیکسون را بقدرت رساند به علاوه ریکان جنا بنگار مورد حمایت فعال جورج بوش رئیس سابق سیا و سناتور میلیونر جمهوریخواه بوده و از جانب فورد و هنری کیسینجر که مورد حمایت را کفلر است تا شید شده است.

برای اینکه سیاست آتی امپریالیسم آمریکا دقیق تر روشن شود کافی است به برنامها و سیاستهای داخلی و خارجی ریکان نگاه داشتی کوتاه بیندازیم:

در زمینه سیاست داخلی دولت ریکان در پی آنست تا به تشدید سرکوب علیه سیه پوست - ان سرخ پوستان بپردازد و با افزایش هزینه های نظامی فشار بیشتری را بر کارگران و زحمتکشان آمریکا وارد آورد. اگرچه ریکان در انتخابات انتخابانی خود گفته است که ۳۰٪ مالیاتهای دولتی را کاهش خواهد داد، اما لازم به تذکر است که سیستم پیشنهادی او اساسا منجر به کاهش مالیاتهای شرکتها و انحصارات بزرگ امپریالیستی میگردد. وجه بارز سیاست داخلی ریکان افزایش بودجه دفاعی (نظامی - هسته ای) میباشد. در سال ۱۹۷۹ بودجه نظامی آمریکا به ۱۲۷ میلیارد دلار میرسد. ریکان نظردا ردتا میلیاردها دلار بر هزینه نظامی بیا فزاید.

در زمینه سیاست خارجی دولت ریکان خواهان تحکیم مناسبات آمریکا با امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن از یکسو و تشدید رقابت و مقابله جوشی با سومال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر میباشد. در همین رابطه دولت ریکان در پی استحکام بخشیدن به قدرت نظامی آمریکا و اروپا و تقویت سلطه خود در پیمان اتلانتیک است. ریکان با پیگیری استراتژیک محدودیت سلاحها یا سالت ۲ که میان شوروی و آمریکا منعقد گشته شدیداً مخالف بوده و خواستار تشدید مسابقه تسلیحاتی با امپریالیسم شوروی میباشد. سیاست ریکان در فعال ترین رژیمهای ارتجاعی، سیاست حمایت فعال است. براین اساس ریکان کارتر را بخاطر روی برگرداندن از شاه مزدور و سوموزا سرزنش کرده و خود در پی حمایت گسترده ای از اسرائیل صهیونیست، چین جیانگ چیک، کره جنوبی و غیره میباشد. در رابطه با غرب و منطقه خلیج فارس، سیاست ریکان مبتنی بر واگذاری امنیاز - ات بیشتر به صهیونیستهای اسرائیلی و سرکوب فاشیستی جنبش فلسطین میباشد. ریکان اخیرا سازمان آزادیبخش فلسطینی را یک "گروه تروریست" خوانده و بدین ترتیب خط عمومی سیاست امپریالیستی خود را نسبت به خلق فلسطین آشکارا میازد. ریکان در تداوم سیاست دولت کارتر مبتنی بر تحکیم موقعیت آمریکا در منطقه خلیج فارس در پی آنست تا عربستان و عمان را هر چه بیشتر تسلیم نموده و موضع نظامی با نیکی را در خلیج فارس تقویت نماید. و با لایحه آنچه در مورد مناسبات آمریکا و ایران با است گفت اینست که دولت ریکان در عین پیشبرد سیاست سازش با رژیم ایران و بزرگاری مناسبات

بقیه در صفحه ۱۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

گرفتن حقوق برای کارگران در جنگ حرام است!

جنگ غیرعادلانه کنونی برای کارگران جامعه‌ای است که هر روز اثرات ناگوار آن را در زندگی روزمره‌شان لمس می‌کنند. حدود سه هفته است که شرکت کفش جم‌درا شرکتی دسخت و مواد خوابیده است و کارگران این شرکت بدون اینکه کاری داشته‌اند به کارخانه رفته و در آنجا می‌نشینند. این روزها کارگران را وعا و عا میل آن تا به کرده‌اند که کارگران نباید حقوق بگیرند زیرا حرام است. یک کارگر زن که این خبر را شنیده بود، در حالی که گریه می‌کرد، می‌گفت: خدا عا ملین این جنگ را دلیل کند، کجای این حقوق حرام است، ما که روزی هشت ساعت روی این رطوبت می‌نشینیم و با درد و کمردرد درگیریم، کرا به خانه زکجا بیا ورم، بول شیر بچها مرا از کجا بیا ورم...

کارگران این شرکت همگی مطربند و نگران آینده خود و خانواده‌شان هستند. آری جنگ کنونی که هیأت حاکمه ارتجاعی ایران و عراق به کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده‌اند، برای کارگران و زحمتکشان جز کشتار، ویرانی، گرسنگی و خانه‌خوابی شمراتی ندارد. آنها می‌گویند این جنگ چون به نفع ما نیست هر چه زودتر باید قطع شود.

کارگران قربانی سهل انگاری افراد بسیج شدند!

در روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ در کارخانه‌های رجبی یکی از افراد بسیج یک گلوله (آرپی، جی ۷) را به کارخانه میا و رده به تکپاشی می‌کوبد که "این گلوله عمل کرده است و خطری ندارد." تکپاشی گلوله را بدست کارگران می‌دهد و می‌گوید: "آن را از گردستان آورده‌اند." کارگران که کنجکا و می‌شوند، به آن دست می‌زنند، گلوله منفجر شده و دو نفر از کارگران کشته می‌شوند.

اخراج ۵۰ کارگر گیلان ابریشم

مهندس معصودی رئیس سپاه پاسداران فومن که رئیس کارخانه گیلان ابریشم هم می‌باشد ۵۰ نفر از کارگران را اخراج کرده و گفته است برای اینکه کارخانه خوابد، شما باید با بدفدای بقیه بشوید و در ضمن این فرد صد کارگر می‌خواهند بقیه در صفحه ۷



جنبش کارگری

جنگ بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران!

پریولتر شود!

* به ساعات کار کارگران اضافه می‌شود، در حالیکه سرمایه‌داران همچنان در رفاه و آسایش بسر می‌برند.

* فرزندان کارگران و زحمتکشان به جنگ فرستاده می‌شوند و گوشت دم‌توب سرمایه‌داران می‌شوند، در حالیکه نور چشمی‌های سرمایه‌داران راست راست می‌گردند و همچنان به عیاشی مشغولند.

* صف‌های طولیل نفت، نان، گوشت، بنزین و غیره، گران می‌شود، مواد غذایی، آب و آبرگسی و خسارت جنگ نصیب کارگران می‌شود، در حالیکه سرمایه‌داران و تجار با استفاده از این وضع قیمت‌ها را بالا کشیده، احتکار کرده و بیشتر سود می‌برند.

* برای شرخرایی ویا کمبود مواد و تعطیل کارخانه‌ها، نصیب کارگران، اخراج و مرخصی بدون حقوق می‌شود، در حالیکه نصیب سرمایه‌داران تفریحات و گردش می‌گردد.

این کارگران هستند که با بدتوان جنگی که مزین منافعتان است بپردازند.

جنگ ایران و عراق جنگی است علیه زحمتکشان دو کشور!

مستحکم‌ها داخدا کارگران و زحمتکشان ایران و عراق!

ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر تراکت شماره ۹۶

کارگران مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی و تمام سرمایه‌داران مفتخور می‌گویند که: جنگ ایران و عراق بخاطر دفاع از منافع مردم ایران است، پس کارگران هم باید بیشتر کار کنند و تولید را افزایش دهند.

* آنها می‌گویند: چون ما (سرمایه‌داران) در حال جنگ هستیم، پس باید یک روز از حقوق کارگران را کم کرد.

* آنها می‌گویند: چون ما (سرمایه‌داران) در حال جنگ هستیم، پس باید فقط کارگران و سایر زحمتکشان در ذخیره غذایی صرفه‌جویی کنند و یک وعده غذا نخورند و رستورانهای غذاخوری را در کارخانه‌ها تعطیل کنند.

* آنها می‌گویند چون مواد اولیه کارخانه نرسیده و سود چندانی بدست نمی‌آید و حتی ممکن است برای ترمیم کارخانه، پس کارخانه باید تعطیل شده و کارگران بدون حقوق مرخص شوند...

اما می‌بینیم که این جنگ نه تنها فایده‌ای برای کارگران ندارد، بلکه دقیقاً به ضرر آنها است. زیرا:

* یک روز از حقوق آنها را کم می‌کنند و از شکم زن و بچه آنها می‌زنند و آن را در جیب گشاد سرمایه‌داران سرازیر می‌کنند!

* یک وعده غذا و رستورانهای غذاخوری را تعطیل می‌کنند، تا در عوض سرمایه‌داران جیبشان

ضرب و جرح کارگران بخاطر حق طلبی به بهانه جنگ!

به انجمن اسلامی با جوب و کلنگ به سروکمر کارگری که حقش را می‌خواسته می‌زنند، بطوریکه سر او شکسته می‌شود. کارگران که این جریحان را مشاهده می‌کنند، او را به بیمارستان می‌برند بعد از بخیه زدن، هیچ پزشکی حاضر به نوشتن استراحت برای او نمی‌شود. این حرکت مورد نفرت کارگران قرار می‌گیرد و کمیته هم‌بخاطر خودشان می‌باید اصطلاح پشتیبانی از کارگران کارگروا بسته به انجمن اسلامی را دستگیر می‌کنند.

در تاریخ ۵۹/۷/۲۰ در اداره آب گیشا، کارگری را بعنوان اینکه چرا مسئله "دستمزد" برای "افزافه کاری" را مطرح می‌کند، بوسیله کارگری وابسته به انجمن اسلامی مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. البته این کتک کاری به بهانه اینکه چون مادر "جنگ با عراق هستیم" و توقع نداری مسئله پول را مطرح کنی صورت می‌گیرد.

جریان به این ترتیب است که کارگر وابسته

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۴)

انحراف رویونیستی و آنارشیستی در تبلیغ نیاز اساسی توده‌ها

طبیعی است که رویونیست‌ها و آنارشیست‌ها هر دو نمی‌توانند تبلیغ کمونیستی - سول نیازهای اساسی توده‌ها بپردازند. آن‌ها هر یک "اساسی‌ترین مسئله توده‌ها" و "نیازهای توده‌ها" را از دیدگاه خویش که با منافع و نیازهای توده‌ها در تضاد قرار می‌گیرد، معین می‌کنند.

روییونیست‌ها، اولاً همیشه به کوچکترین و کم‌اهمیت‌ترین مسائل توده‌ها توجه می‌کنند، نیروی خود را صرف پیش‌پا افتاده‌ترین نیازهای اقتصادی توده‌ها می‌نمایند و می‌کوشند با شیوه‌هایی که در خدمت سازش طبقاتی است بدان جامعه عمل بپوشانند. آن‌ها به نیازهای انقلابی توده‌ها در جهت شناختن طبقات حاکم و برابری سرنگونی حاکمیت طبقاتی جامعه عمل نمی‌نمایند. آن‌ها می‌کوشند نیازهای توده‌ها را فقط در چهار چوب تنگ نیازهای ساده روزمره (که آن‌ها نظر کمونیست‌ها این مسائل نیز از رای اهمیت اند) به بند کشند.

نیازهای رویونیست‌ها هنگامی که به مسائل توده‌ها، نمی‌خواهند آن‌ها را در جهت شناختن مسائل انقلاب مورد آموزش قرار دهند. مثلاً رویونیست‌های توده‌ای و سه‌جانی از بسی می‌کنی و فقر و حشاکشان را با حرف می‌زنند و همی‌طور روزنامه‌های بورژوازی نظیر کیهان، میزان و جمهوری اسلامی، آن‌ها عکس‌خوابه‌ها را می‌اندازند اما نمی‌گویند عامل این فقر و بدبختی چیست و برای نجات از این راه‌ها بدیوروازی را بر انداخت. آن‌ها این مسائل اساسی را بگونه‌ای توضیح می‌دهند که بدیوروازی از تیررس ضربات انقلابی توده‌ها در امان بماند.

حرکت رویونیست‌ها از نیازهای توده‌ها، در حقیقت حرکتی رفرمیستی است. عدم درک اولویت نیازهای توده‌ها، در بند کشیدن تبلیغ در حول نیازهای اقتصادی و اولیه توده‌ها عدم ارتقاء مبارزات توده‌ها از حول مبارزه برای نیازهای توده‌ها بسوی سرنگونی بورژوازی و... در حقیقت تبلیغ کمونیستی نبوده، بلکه تبلیغ رفرمیسم است. رویونیست‌ها در حقیقت نمی‌گذارند نیازهای انقلابی توده‌ها، با تحقیق سوسیالیسم، عملی شود. آن‌ها دولتها و بورژوازی

را با ترهات رفرمیستی خود نجات می‌دهند. در حالی که کمونیست‌ها نیازهای توده‌ها را می‌بینند و حتی رفرم را هم می‌پذیرند. منتها در جهت انقلاب و افشای اقدامات رفرمیستی چنین هیأت حاکمه‌ای.

مثلاً فدائیان خلق در اعلامیه مهر ۵۷ به مناسبت آغاز سال تحصیلی در دانشگاه‌ها خراج گاردا زدا نشگاه را بعنوان شعار محوری جنبش دانشجویان انقلابی تبلیغ کرده بودند. (البته با بستی توجه داشته‌باشیم که در آن موقع این یک انحراف رویونیستی بود ولی فدائیان هنوز انقلابی بودند نه رویونیست). تبلیغ این شعار بعنوان شعار محوری در آن هنگام به معنای در غلطیدن به رفرمیسم بود. در زمانی که توده‌های انقلابی سرنگونی شاه‌ها را طلب می‌کردند و در هنگامی که حتی موقعیت انقلابی وجود داشت می‌باستی شعار را بودی سرمایه‌داری وابسته و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق تبلیغ می‌گشت. طبیعی است اخراج گارد از دانشگاه، نیاز جنبش دانشجویان انقلابی بود. اما این نیاز در قبال نیازهای اساسی رفرمیستی انقلاب دمکراتیک میهن رنگ می‌بافت و بسی اهمیت می‌شد، تکرار این شعار رفرمیستی در آن هنگام، معنای جزیره زدن به انقلاب ایران نبود. طبیعی است که اگر جنبش انقلاب، رژیم را به عقب نشینی کشید و اخراج گارد از دانشگاه خود بخود عملی می‌شد و آن هم نه با مبارزه برای خواست نازل اخراج گارد از دانشگاه در چنین هنگامی، بلکه با شعار سرنگونی رژیم رویونیست‌ها به تبلیغ رفرمیستی حول نیازهای می‌پردازند، درحالی‌که تبلیغ انقلابی و کمونیستی، عبارت است از: توجه به نیازهای اساسی توده‌ها و در عین حال استفاده از رفرم‌های جزئی در جهت انقلاب ضمن افشای رفرمیسم.

آنارشیست‌ها، اولاً برای شناختن نیازهای توده‌ها، از خودشان حرکت نمی‌کنند. آن‌ها نیازها را که خود برای توده‌ها تصور می‌کنند مورد تبلیغ قرار می‌دهند. آن‌ها نیازهای واقعی توده‌ها را نمی‌خواهند بشناسند. تا نی...

آنارشیست‌ها نیز نمی‌خواهند نیازهای توده‌ها را هنگامی که به مسائلشان مورد آموزش قرار دهند، آن‌ها به رفرم حرکت از خاص به عام را برای آموزش توده‌ها نمی‌شناسند. آن‌ها آنقدر از توده‌ها دور شده‌اند که توده‌ها حرف‌های آن‌ها را از آن خود نمی‌دانند و آن‌ها را در نمی‌یابند. آنارشیست‌ها درحالی‌که سرهای خود را آنقدر بالا گرفته‌اند که نیازهای واقعی توده‌ها را در نمی‌یابند و از مقابل توده‌ها می‌گذرند. آن‌ها فقط "به سوسیالیسم" می‌اندیشند. وقت ندارند به مسائل و نیازهای اساسی مشخص توده‌ها پاسخ دهند و آن‌ها را بدین ترتیب مورد آموزش قرار دهند. اما لنین چقدر زیبا تشابه کمونیست‌ها و تروریست‌ها (بخوان رویونیست‌ها و آنارشیست‌ها) را در این مورد هنگامی که در مورد دو وجه این انحرافات سخن می‌گویند نشان می‌دهد:

"کمونیست‌ها و تروریست‌های کنونی یک ریشه مشترک دارند و آن سرفروشی و بردن در برابر جریانی خود بخودی است... در نظر اول این ادعای ما ممکن است خلافگویی جلوه کند زیرا ظاهراً تفاوت بین کسانی که روی "مبارزه عادی روزمره" قرار می‌گیرند و تروریست‌هایی که افراد جداگانه را به قتل رسانده‌اند، بسیار است، ولی این خلافگویی نیست، کمونیست‌ها در مقابل جریانی خود بخودی "نهضت صدر دمکراتیک" و تروریست‌ها در مقابل جریانی خود بخودی غش و غصب فوق العاده تشوین روشنفکرانی که نمی‌توانند و یا امکان ندارند، فعلاً لیست انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم پیوندند." (چهارم یادکرد).

نتیجه یکی است، رویونیست‌ها که از انقلاب و سوسیالیسم نفرت دارند، می‌کوشند تا کارگران در چهار چوب خواست‌ها و نیازهای محدود و بورژوازی حرکت کنند و آنارشیست‌ها نیز نیازهای توده‌ها و آموزش توده‌ها از خلال مبارزه در جهت همین نیازها را نمی‌شناسند و نمی‌خواهند بشناسند. بدین ترتیب این دو از تبلیغ کمونیستی برای رفع نیازهای توده‌ها و آماده کردن آن‌ها برای انقلاب و سوسیالیسم چشم‌پوشی می‌کنند. و منافع تاریخی پرولتاریا را لگدمال می‌کنند.

نزد آنارشیست‌ها مبارزه برای نیازهای توده‌ها جز مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم (که آن‌ها هرگز و قاصداً نخواهند آن را نیتند و راه کمونیستی مبارزه برای آن را نیز نمی‌شناسند) معنای دیگری ندارد، آن‌ها نمی‌فهمند که از رفرم‌ها نیز می‌توان و باید در راه انقلاب سود جست. آن‌ها اینک هنگامی که مبارزه برای نیازهای "کوچک" توده‌ها، می‌توان آن‌ها را برای نیاز "بزرگ" یعنی انقلاب آموزش داد، درک نمی‌کنند. شما آنارشیستی را در نظر بگیرید که در سال ۵۵ به کارخانه میرفت تا کارگران را برای مبارزه

اخباری از کردستان، سرزمین حماسه‌ها

تقرع عمیق خلق کرد از
سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت)

بوکان ۵۹/۸/۸

رویز یونستهای سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت) اکنون بعنوان حاش و حاش و حاشی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف خلق کرد افشا و طرد می‌گردد. توده‌های زحمتکش ما آنها را طرد می‌کنند، زیرا آنان پشت به انقلاب کرده و به نوکری بورژوازی تبدیل شده اند خلق ما آنها را طرد می‌کند، زیرا آنان با دشمن خلق پیمان بسته و به خیانت آشکارا در غلبه شده اند. خبری که ملاحظه می‌کنید مربوط به عکس العمل مردم بوکان در مقابل این خائنین می باشد.

رویز یونست ۵۹/۸/۸ عده زیادی از مردم ما رویمان در اطراف دفتر سازمان چریک‌ها (اکثریت) جمع شده و ضمن دادن شعارهایی علیه سازمان چریک‌ها (اکثریت) با سنگ به دفتر اسن سازمان حمله کردند. مردم از خیانت‌های اسن سازمان بویژه بعد از اینکه اطلاع یافته بودند که سازمان چریک‌ها سلاح‌های خود را از شهر خارج می‌کند، به شدت خشمگین بودند. آنان می دانستند که این اقدام اکثریت بخاطر ارضای است که اسن سازمان با رژیم نجاب داده است مردم خشمگین در مقابل دفتر به شعار دادن و پرتاب سنگ پرداختند ولی به تدریج شعار پرتاب سنگ از طرف جمعیت به حمله به دفتر تبدیل شد. زحمتکشان بوکان س ازبائین آوردن تا بلود دفتر رویز یونست‌ها به ساختمان دفتر حمله کردند و تمام محتویات آنرا از بنجره به بیرون پرتاب کردند و بدین گونه خیانت این داور دست به انقلاب و خلق کرد باخ دادند.

فشار و خفقان بعد از کشتار

مهاباد

طبق اخبار رسیده در تاریخ ۵۹/۷/۳۰ برای ۴۶۰ جسد جوان دفن ما در شده است بخش اعظم اسن عده در شهرها جو حشانه روزهای قبل رژیم به شهادت رسیده اند خانه‌های شهر، بوسه و توب و خمیار ه رژیم جمهوری اسلامی به ویرانه‌هایی تبدیل شده اند. وضع شهر از نظر اقتصادی فوق العاده بد است و شهر تقریباً فلج شده است قیمت اجناس به چند برابر افزایش یافته است تا چند روز قبل،



جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب

نبوده و هر روز وظیفه تظاهرات و اعتراضات گسترده مبارزات خود را علیه رژیم ستمگر را کم به پیش می‌برد.

بعلاوه جنگ ارتجاعی ایران و عراق مستمکی شده تا رژیم با انکاء به آن تنها جم‌خود را به انقلاب و جنبش مقاومت خلق کرد افزایش دهد. تقویت دستگاه‌های سرکوب، استفاده از سربازان مزدور برای ارسال به کردستان، بخشی از افراد منقعی خدمت ۵۶ به کردستان و غیره نشان دهنده تقویت ابزار سرکوب جنبش خلق و بطور مشخص جنبش مقاومت خلق کرد است. اما قهرمانین تشدید خفقان در سراسر ایران و دستگیری و اعدام انقلابیون کمونیست در شهرهای مختلف، قتل عام بیش از ۲۰۰ نفر و مجروح نمودن حدود ۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش ما با د، تسد اوام سیماران مناطق مختلف کردستان و از جمله سیماران سردشت در دو هفته اخیر، از جلوه‌های با رز سیاست سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. آری، همه این اقدامات از تلاش ارتجاع جهت سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرد، حکایت می‌کنند.

منادیان صلح در کردستان

تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد، تضعیف انقلاب توده‌های زحمتکش ایران است. پشتیبانی نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست‌ها از خلق کرد، شرکت فعال آنها در مبارزه با دلا نه خلق کرد و پیوند دادن آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از شروط اولیه تشدید مبارزه طبقاتی - ملی در سراسر ایران و از جمله در کردستان و هموار کردن راه پیروزی جنبش خلقی ایران و در نتیجه جنبش مقاومت خلق کرد می‌باشد. سازش در قبال موسابین جنبش مفهومی

نیمه در صفحه ۱۲

حرکت رژیم جمهوری اسلامی در اعمال سیاست سرکوب انقلاب، اکنون بوا سطه جنگ ایران و عراق در ابعاد گسترده تری در جهت تشدید سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد پیش می‌رود رژیم با تسلیفات وسیع خود در مورد جنگ ایران و عراق می‌کوشد تا توجه توده‌ها را از مسائل مربوط به کردستان منحرف سازد. او با این خیال باطل که در این دوره خلق کرد از حمایت توده‌های آگاه برخوردار نبوده و در انزوای سیاسی قرار گرفته است، لشکرکشی گسترده‌ای را به کردستان آغاز کرده است. اکنون فشار و خفقان در شهرهایی که مزدوران رژیم سلطه خونین خود را در آنجا برقرار کرده اند، پیدا می‌کند. علاوه بر محاصره و حملات نظامی، تشدید محاصره اقتصادی نیز از جمله فشارهای ضد انقلابی رژیم برای در تنگنا گذاشتن خلق کرد و ادا ر نمودن آن به تسلیم می‌باشد. مزدوران رژیم برای سزائودن آوردن خلق کرد از ارسال مواد غذایی، آرد، بوشاک و حتی مواد داروئی - که خلق کرد در اشتراک اخیر رژیم سخت بدان نیازمند است - جلوگیری می‌کنند. مواد سوختنی در کردستان کمیاب است و ارتش و پاسداران حتی از انتقال یک حلب نفت و بنزین به برخی از شهرها مانع می‌کنند. نتایج تمام این سیاست‌ها و عملکردهای رژیم، نتوانسته است آتش مبارزات انقلابی و جنگ عادلانه خلق کرد را خاموش گرداند و هرگز هم نخواهد توانست به شمرگان رزمنده، بهمانه ارگان اعمال قدرت مسلح خلق کرد، با انکاء به افشار وسیعی از زحمتکشان شهر و روستا همچنان به پیکار مسلحانه خود با رژیم ادامه می‌دهند. به موازات نبرد توده‌های مسلح کرد، زحمتکشان شهرها و روستا‌هایی که به تسخیر رژیم درآمده اند در پشتیبانی از شمرگان و در جهت کسب حقوق سرخ خود، از اشکال مختلف مبارزه با قفل

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست



با چشم باز درافق خونین کردستان

که در پادگان جای کافی برای پرسنل وجود ندارد! اینجا، در مکان جدید و بیرونی - منظره‌ای گسترده است که به زیبایی آن کمتر دیده‌ام. دامنه‌ای سرسبز، جنگل انبوه که رودخانه‌ای در میان آن روان است، برای چند ساعت محو تماشای آن بودم. ای بهای زیبای کردستان! چرا اینچنین به خون آغشته‌ای!

۲۴ اردیبهشت

از صبح سربازان زمین را می‌کندند تا بفرامهند و مستراح بسازند. اوضاع به‌طور عادی پیش می‌رفت، تا اینکه چند نفر در کوره‌های سردخانه منگوه، مشا هده شدند، نگهبانان دیده شدن آنها را اطلاع دادند: چند زن و بچه و مرد بودند که در جلوی آنها یک زن جوان پرچم سفید درست داشت.

همه دست و پای خود را گم کردند. نگهبانها در سنگرها آماده شدند، تلفن‌ها بکار افتاد و خبر در تمام پادگان پخش شد. درجه‌داری پشت سر هم می‌گفت: رنگبارش‌ها با زکندید! عجب چند زن و مرد و کودک تماشا پادگان را به وحشت انداخته بودند. بیش از نیمی از را به پیچوده بودند که ماشین ارتشی آنها را دستگیر کرده به پادگان برد.

به حرفهای درجه‌دار فکر می‌کنم که چقدر کشتار مردم شده!

۲۶ اردیبهشت

علامه شده است که آتش پیشمرگه‌ها کم شده و هلیکوپترها آتش نتر می‌توانند در پادگان نفوذ کنند. از این رو چند دسته آتش در حرکت شدند و به میدان پرواز رفتند. اما مثل روز قبل دست از پادگان نریدند و به پادگان برگشتند.

خبر آمده است که یک گردان تانک که از زنجان و قزوین حرکت کرده‌اند، به طرف سقز می‌آیند. آنها بصورت تاکتیکی حرکت می‌کنند، درست مثل جنگ با یک کشور دیگر. از کوبیدن هیچ ساختمان و ویران کردن دهات ابراهیمی ندارند و اگر لازم بداند آنها را با خاک یکسان می‌کنند تا چند روز دیگر به اینجا خواهند رسید. قوای برای سرکوب بسیج شده است! (ادامه دارد)

خطرات يك سرباز (۱۱)

نیروی خلق بی پایان است

۲۱ اردیبهشت

امروز هم مثل روز قبل به صحرای رفتیم تا آموزش نظامی ببینیم. همواره در راحت با شما بر علیه کردها سمپاشی می‌شود. به آتش فحش می‌دهند، تشنیل و ترس و خطا نشان می‌کنند. تمام اینها برای تشدید جوهر کردی و در عین حال ریختن ترس خودشان انجام می‌گیرد.

ظهور پادگان بازمی‌گردد. جنب و جوش عجیبی مشاهده می‌شود. هلیکوپترها با سربازان به حرکت در می‌آیند و بعد از دقایقی با زخمی‌ها و در حالی که هلیکوپترها بر اثر گلوله، سوراخ، سوراخ شده‌اند باز می‌گردند. اینطور که معلوم است، هلیکوپترها در پادگان‌ها در سه فرود آمدن نیستند و سربازانی را که حمل می‌کنند در فاصله یک کیلومتری پادگان می‌کنند و سرعت دور می‌شوند. گویا هنوز قله در دست پیشمرگه‌هاست. در پادگان می‌گویند: اگر قله را بگیریم، اگر همه سربازهای کردستان را ارتش بگیرد، مسئله حل است.

بیکال است که نیروهای مسلح رژیم، ارتش و پادگان سعی می‌کنند، با صلاح خودشان کردستان را تصرف کرده و مسئله را حل کنند. پس چرا پیروز نمی‌شوند؟ مگر نه اینکه قدرت ارتش خیلی زیاد است؟! اکنون ارتش در منطقه کلافه شده و ماشینها نابود می‌شوند، هلیکوپترها سقوط می‌کنند، مهمات تمام می‌شود و هزینه جنگ سرسام‌آور است. پس چگونه است که کردها بدون اینکه هواپیما و فواید خود را شته باشند، ارتش و پادگان را اینگونه بزنند و زانو در آورده‌اند؟

آیا حرا این است که در کردستان خلق می‌جنگد و نیروی خلق بی پایان است؟! و بعد از هر شکستی دوباره بر می‌خیزد و می‌جنگد. به مبارزه خود ایمان دارد و از پیروبا تمامان می‌جنگد و نیرویش دهها برابر می‌شود.

۲۲ اردیبهشت

امروز هم به تفریح مسخره‌رزمی ادامه دادیم. امروز هم در راحت با شما، بهر خدمت کردستان سمپاشی می‌شود. می‌گفتند: کمونیستها هستند که پادگان را خراب کرده‌اند. اینها تشنیل هستند و دست بکار نمی‌زنند. ۱۰۰۰ این حرفها مرتباً تکرار می‌شود. مداوماً گفته می‌شود تا کاملاً در مغز سربازان بنشیند و آنها را از "اعتنا" بدر آورد!

۲۳ اردیبهشت

امروز در خارج از پادگان مستقر شده ایم به خانه‌های نیمه‌کاره‌ای که برای پرسنل ارتش ساخته بودند (زیرا فرمانده گروها معتقد است

جاده‌های شهرها با دیگلی سروی مسافری - بسته شده بود. ارتجاع می‌کوشد با سربازان توده - ها و محاصره اقتضای خلق دلاور کرد را تسلیم نماید اما مطمئن با در حتمت کشتن تا کسب پیروزی از پا نمی‌نشیند.

جلوگیری از انتقال آرد و بنزین به شهر توسط پاسداران

اشنویه

اها لای اشنویه تحت محاصره اقتضای شدید از جانب رژیم قرار دارند. نفت و آذوقه بسیار کم است. بطوریکه قیمت یک جالب نفت به ۱۵۰ تومان رسیده است. در جاده اشنویه - رهاشیه، مزدوران رژیم ضمن بازرسی ماشینها از انتقال بنزین و آرد به شهر جلوگیری می‌کنند.

تلاش رژیم برای ایجاد برادر کشی

نقده

رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد ترس و برادر کشی بین کردها و ترکهای این شهر، به کوردها مواد سوختی می‌دهد. با توجه به اینکه مواد سوختی و اجناس در شهر به وفور یافت می‌شود مزدوران رژیم با ایجاد زندگی را تنها به اها لای ترک زبان این شهر تحویل می‌دهند.

پاسخ به بعضیها یا حمله به خلق کرد؟!

پیرانشهر

در هفته گذشته نیروهای عراقی مستقر در مرز پادگان پیرانشهر را توسط توپهای دور زن مورد حمله قرار داده و خسارات زیادی به شهر وارد آوردند. نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز پادگان را به طور نسبی تخلیه کرده و در اطراف شهر مستقر گردیدند. آنها به تلافی حمله به بعضی شهر پیرانشهر را مورد حمله و حشانه قرار داده و تعداد زیادی از مردم شهر را کشته و زخمی نموده و خانه‌های زیادی را ویران کردند. اکنون مردم محبوس به ترک شهر شده و در مناطق اطراف شهر و روستاها آواره شده‌اند.

مزدوران رژیم زیر حملات پیشمرگان انقلابی کومله و پیکار

کامیاران ۵۹/۷/۲۱

در ساعت ۵ بعد از ظهر این روزا رتشان و پادگان و جاشها از گردنه "دولت" و "قلعه" - والان "سوی روستای" سرجی "حمله کردند و دولتی سا مقاومت پیشمرگان کومله و پیکار که در کوههای

شماره ۱۲

“افزایش تولید” در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار

۱- رویزونیستها:

بورژوازی در پیشبرد تها می این اهداف خد خلقی خود، مظاهر گراننی چون رویزونیستها را در کنار خویش دارد. رویزونیستها، این خائنین به طبقه کارگر، برای برآوردن منافع سرمایه داران نیش از همه “جوش و جلا” زده و برآستنی “کاسه‌ها” غتر از آن شده اند! آنها با سوء استفاده از ناآگاهی و احساسات میهن پرستانه کارگران دفاع از “میهن سرمایه داران” را تبلیغ میکنند و بدینوسیله سعی دارند تا همگام با بورژوازی، اثری انقلابی کارگران و زمینکنان را هسرز برده و سبب مبارزات انقلابی شده‌ها را از مسیر اصلیشان منحرف گردانند.

در این میان علاوه بر حزب توده، “ایسین” کارگران رکنه‌ها روسیال امیریا لیم شوروی که مدتهاست به تظهِر رژیم و دفاع از سرمایه داران پرداخته است و در کنار رهتای ارتجاعی اش حزب رنجبران، کارگران و زمینکنان و وطنان را به کار و تولید بیشتر برای سرمایه داران فرا میخواند، فدائیان (اکثریت) این رویزونیستهاهای نوبا - نیز از هم مسلکان خود عقب نشاند و با دلسوزی فراوان برای سرمایه داران از “به خاطر افتادن امر تولید”، کارگران را بر حذر میدارند. (کا رسا سری ۸۰، صفحه ۲۱). آنها با آتوت با فراوان نمونه‌های مختلفی را مثال میزنند و طی آن کارگران را تشویق میکنند که “روزهای پنجشنبه و جمعه را نیز به کار بپردازند” یا آنکه با وظایف “۴ ساعت اضافه کار کنند” (همانجا).

جنگی که سرمایه داران و رویزنیهای حامیشان برای به اندازند، هدفی جز تائین منافع غارت گراندها ندارد. جنگ کنونی که بین رویزنیهای ایران و عراق در گرفته است، جنگی است ارتجاعی و علیه منافع زمینکنان و دواکشور. این جنگ زمینهای برای طبقه سرمایه دار و وجود آورده است که به بهانه جنگ، به قریب کارگران و دامن زدن به احساسات میهن پرستانه آنها پرداخته و بر شدت فشار و استثمای کارگران با افزایش سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا سخن از “مرور از افزایش کار و تولید” میگویند و آنها وظیفه “مذهبی” و “ملی و انقلابی” کارگران و زمینکنان بحساب میاورند، در حالی که افزایش تولید در این شرایط نتیجه‌ای جز افزایش فقر و فلاکت توده‌ها و پیر شدن جیب سرمایه داران ندارد.

محیط خفقان و رعب و وحشتی که رژیم جمهوری اسلامی در شهرها و روستاهای ایران ایجاد کرده، در کارخانجات نیز برقرار است. هر اعتراضی که از جانب کارگران به اجاقیات سرمایه داران و رژیم شود، به بهانه جنگ و تحت پوشش “توطئه ضد انقلاب” سرکوب میشود. بعنوان نمونه، با بدیهه موج گسترده اعتراضی کارگران قبل از شروع جنگ نسبت به قطع سودویژه تار کرد. که اینک تحت الشعاع جنگ واقع شده است رژیم میکوشد تا از بر خاستن دوباره این موج اعتراضی شدت جلوگیری نماید.

چه کسانی آب به آسیاب رژیم می ریزند؟

بقیه از صفحه ۳ اخراج...

۳۰۰-۳۰۰ نفر از کارگران را که بیشتر اهل سی مومعه هستند اخراج کند. مهندس مقصودی به آنها گفته: اگر بخوانید اعتراض کنید، شما را به سپاه پاسداران معرفی میکنم. ضمناً قرار شده که تا دوماه دیگر این کارگران تصفیه حساب کنند. در جنگ میان سرمایه داران و کارگران کشیده میشوند، بی‌خانمان میشوند، خانه‌ها و پیشانی بمباران میشود، دستمزدهایشان کاهش پیدا میکند، تولید را بیشتر میکنند و دست آخر هم این کارگران هستند که اخراج میشوند. بیگانه‌ها هم اینطور که مقصودی اقرار کرده است این کارگران هستند که باید فدا بشوند!

“خیرات جنگ در کارخانه سپید رود

به کارگران سپید رود که اکثر آنها هر یک ۱۱۲ ساعت اضافه کاری دارند، دستمزدها اضافه کاری - هایشان را نپرداخته. به همین دلیل آنها با سه مینی بوس به دفتر مرکزی کارخانه رفته و خواهان گرفتن اضافه کاریهایشان میشوند. مدبرعامل ضدکارگر میگوید: بخاطر اینکه مملکت در حال جنگ است، نمی‌توانیم به شما اضافه کاری‌ها را بپردازیم و شما هم از طرف استانداران و مده‌ها که اضافه کاریها و کلیه مزایا با بد قطع شود.

له شدن یک کارگر، باز هم جنایت سرمایه!

در تاریخ چهارشنبه ۸/۷ در کارخانه کج حبل واقع در دوراهی دماوند (۲ تا ۳ کیلومتری رودهن) بشبه در صفحه ۸



اخراج دوتن از تعمیرکاران ماشین سازی اراک محکوم است!

را اراحتی آنجا مدهند، پرداخت میشود. فروتن خدکا رگر چون در جهت منافع سرما به - داران ورزیم جمهوری اسلامی حرکت میکند، کارگران را بجرم کاری وستی در انجمن وظیفه تحویل دادگاه انقلاب اسلامی داده است و حتما این دادگاه آنها را محکوم خواهد کرد، زیرا این دادگاهها از منافع سرما به داران حمایت میکنند.

چندی قبل فروتن این مدیر عامل خدکارگر دوتن از تعمیرکاران دیگ بخار را اخراج میکند جرم این دو کارگر تسلیم شدن آنها در مقابل ندادن حق سرویس و مزایای دیگر است. این عمل را مدیر عامل خدکارگر در حالی انجام می - دهد که از طرف کارخانه ماهانه ۳۰۰۰ تومان به "پوف" کارخانه آلمانی که هیچگاه راه است و کارکنان ماشین سازی اراک میتوانستند کار

بقیه از صفحه ۷ له شدن...

کارگری بنا میبهرام به زیر سنگ آسپا برفته و بلعیده میشود و بصورت گوشت له شده ای بیرون میآید. وقتی برادرش عمران خبری از آسپا رفتن برادر خود (بهرام) را می شنود، از شدت ناراحتی دچار شوک میشود.

اخراج و زندانی کردن

کارگران تراکتور سازی تبریز به جرم ایجاد شورش در قسمت "مولر"!

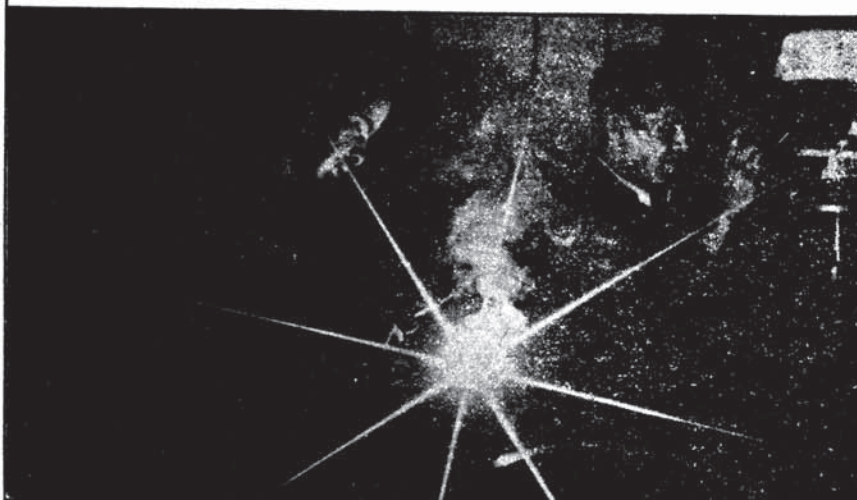
روزی پنجمین ۵۹/۸/۸ هیأت سرپرستی جدید کارخانه تراکتور سازی یکی از مهندسان را به عنوان سرپرست قسمت خط مولر تعیین میکنند. کارگران که تاکنون قسمت را بصورت شورائی اداره میکردند به این انتخاب اعتراض میکنند و در برابر توجیه های نفیسی شما بنده استانداری مستقر در کارخانه تسلیم نشده و کار نمیکنند و نفیسی با تلفن از دادگاه انقلاب اسلامی پاسدار آورده و تمامی کارگران قسمت (۲۴ نفر) را به ماشین به دادگاه میبرند. ما بدلیل کمبودها، متروخ گزارش را در شماره بعد چاپ میکنیم.

بازپوش: تصحیح خبر

در پیکار شماره ۷۶، صفحه جنش کارگری اشتباهاتی رخ داده بود که بدین وسیله تصحیح میشود:

۱- در گزارش مربوط به "اخراج کارگران مبارز تولیدی زرین شریکو"، نوشته بودیم: "در این مدت ما دقی که برادرش در کمیته ۲ کیشا است...." که صحیح آن چنین است: "ما دقی که برادرش در کمیته ۲ با کمیته کیشا است....".
۲- در قسمت پایین تر نوشته ایم که: "یکی از کارگران را به کمیته برده و از او بازجویی میکنند" که صحیح آن این بوده است که کمیته از کسی بازجویی نکرده است.

در شرایطی که به بهانه جلوگیری از "تابعه - برای کنی صدا انقلاب"، جتی جلوی صحبت کردن کارگران با یکدیگر را میگیرند، در شرایطی که کوچکترین اعتراض کارگران را برعلیه - اجافات سرما به داران تحت عنوان "توطئه ضد انقلاب" سرکوب میکنند، در شرایطی که گرانسی و نایابی اجناس بطرز وحشتناکی کارگران و زحمتکشان را تحت فشار قرار داده است در شرایطی که با کوچکترین بهانه کارگران را اخراج می - کنند و... فداشان (اکثریت) آگاهانه چشم خود را بر شما می اینها بسته اند و ما خواهان



۸۲ صفحه ۱۷ تا کیده از ما است).

براستی! افزایش با زدهی تولید در شرایط کنونی چه معنایی جز افزایش شدت استثمار و سودآوری برای سرما به داران از طرفی و افزایش فقر و فلاکت برای کارگران از طرف دیگر دارد؟ چه کسانی بجز میربا لیستها و وابستگان از "افزایش با زدهی کار" سود میبرند؟ ریزبونیستها "اکثریت" از کدام "جبهه انقلاب" نام میبرند که خواهان "استوارتر ساختن" استحکامات آن هستند؟ جبهه انقلابی که کارگران و زحمتکشان و سایر توده ها به - انداخته اند و تا پیروزی نهائی ادامه اش خواهد داد، با جبهه انقلابی که رژیم جمهوری اسلامی مدعی به انجام رساندن آن است؟ کدام یک! شما می اعمال و گفتار "فداشان اکثریت" حکم بر آن دارند که اینان را با انقلاب توده ها کاری نیست، آنها با تبلیغ شعار "افزایش کار و تولید" در مدبه اخراج کنند میسازات کارگران و زحمتکشان بوده و آنرا به سازش با بورژوازی دعوت میکنند، کاری که نتیجه اش تنها تثبیت پایه های حکومت خدکارگر و طبقه سرما به داران است.

(ادامه دارد...)

"کار تولید بیشتر" کارگران میگردند، روشن است که وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست، حمایت از کارگران و زحمتکشان و افشای جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای سرما به داران ورزیم بر توده ها است اما در همین زمان بنا بر ما هیتشان، ریزبونیستها "اکثریت" همگام و همصدا با بنی صدها و پهنشی ها و حزب توده و کلیه دشمنان طبقه کارگر در وحشت از "به مغایر افشا در امر تولید" (و در حقیقت در وحشت از به مغایر افشا در منافع بورژوازی) فریاد "افزایش کار و تولید" را سر میدهند. اینان که رژیم جمهوری اسلامی را "ملی و فدا میربا لیست" قلمداد میکنند و کارگران و زحمتکشان را بدفاع از آن دعوت می نمایند، در واقع در گوشت دم توپ ساختن توده ها و فریبشان، با بورژوازی سهیم - اند! اینان وظیفه دارند تا تمام جناحیات رژیم را پرده پوشی نمایند.

در جایی دیگر "کار ریزبونیستی" کارگران را به انجام "کار و تلاش شبانه روزی در سنگر کارخانه و افزایش با زدهی تولید در هر واحد" فرا میخواند و تولید می دهد که کارگران "در عرصه تولید تیرباران افزایش با زدهی کار" استحکامات جبهه انقلاب را استوارتر میکنند (کار سراسری

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

(قسمت نهم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

میگذاشتیم. و از همین روجه رفیق تراب وجه من وجه از طریق عناصری چون آقای دعا ثی که در تماس با آیت الله بودند، میگوشتیم تا نامیده در جریان فعال مسائل و رخداد های ایران قرار گیرد.

اما واقعیت این نبود. هرچند که آقا هسی نسبت به مسائل و رخداد های ایران برای هر فرد و جمله آیت الله خمینی که در خارج از ایران بود، نمیتوانست در حرکت او موثر باشد، ولی مساله اساسی این بود که این تاثیر گذاری و این حرکت وجهت آن ارتباط تا موصفا م و

هر جنبه ضعیف است و در برابر برزیم و قدرت سیاسی حاکم، جنبه فرعی تفا در تشکیل میدهد، ولی اگر به نیازهای جنبش پاسخ شایسته داده شود، بتدریج وبا شرکت بیشتر مردم در مسازره جنبش رشد میکند و تا آنجا به پیش میرود که بساط ظلم و ستم دشمن را درهم میشکند، شاید برای شما تعجب آور باشد که من برای اثبات حقانیت گفته ها به بهایات مختلف قرآن و خطبات نهج - البلاغه و نمونه های عملی در تاریخ اسلام استناد میکردم و آیت الله را به آنها مراجعه میدادم. لیکن مساله، مساله معرفتی نبود که

آیت الله در خلال بحث پیرامون خط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: مردم آمادگی برای مبارزه ندارند و کاری نمی شود کرد و آقایان هم نمی توانند کاری انجام دهند. اگر واقعا مبارزاتی (!) به کمک میکرد، مسئله طرور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد، ولی آنان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید.

برای آیت الله قبل از هر چیز "طما" اعلام، "فضلا گرام" و "تجار محترم" مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشجویان و کارگران بیچاره و در مسواری هم این "بیچارگان" از قلم می افتادند و معلی از اعراب نبودند!

ولایت فکری با موضع طبقاتی آیت الله داشت و اینکه آیت الله در میان تفا می حرکتها و جریانی - های اعتراضی ایران، تنها به بازار و روحانیت و حرکت اعتراضی آنها توجه داشت و با در اعلامیه - های خود عموما و در درجه اول آنها را مورد خطاب قرار میداد، کلا ملا در همین رابطه قرار میگرفت. برای آیت الله قبل از هر چیز "علما" اعلام، "فضلا" گرام و "تجار محترم" مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشجویان و کارگران بیچاره و در مسواری هم این "بیچارگان" از قلم می افتادند و معلی از اعراب نبودند! وقتی هم که از مبارزات و جان - فشانیهای همین زحمتکشان در تاریخ مشغلا ویتنا مبرای آیت الله سخن میگفتم، از طرف ایشان جواب داده میشد که اینها همه اش حرف است آقا. جنگ ویتنا مرا آمریکا و شوروی درست کرده اند که اسلحه شان را آت بکنند و مردم در این میان کارهای نیستند. من توضیح میدادم آقا توده ها نیروی اصلی و محرک تا ریختند، آنها هستند که تا ریخ را میسازند. توده ها اگر به آت که ای دست یابند، به آت تشنگان مبارزه تبدیل میشوند و قدرتها و نیروی مقابلیه کنند و هر چند در طولانی مدت او را شکست دهند. من با حوصله و وقت تمام مضمون گفته های او و در همین باره نقش انسان و جایگاه تاریخی او و در همین رابطه هم آفرینی های او را در طول تاریخ و در عصر خودمان و از جمله در ویتنام، چین، کوبا، کره، الجزایر و فلسطین برای آیت الله توضیح میدادم ولی پاسخ آیت الله این بود که اگر

لازم باشد من در این باره به بحث با آیت الله بنشینم، مساله، مساله طبقاتی بود. آنچه را که من برای آیت الله مطرح میکردم نمیتوانست برای یک کارگرویک عنصر زحمتکش و با یک روشنفکر انقلابی، بسی قابل فهم باشد، چرا که او بنا بر ما هیت طبقاتی و ظلم و ستمی که بر او و رفقا است، گفته های مرا با تمام وجود احساس میکند و با افزایش آت که ای اش به درک اصولی و هم جانیه ای نسبت به آن نائل میشود. اما آیت الله که در آن زمان اساسا قشر خرده بورژوازی مرفه ستمی را نمایندگی میکرد، از زاویه منافع و خواسته های این قشر با مسائل برخورد میکرد و برای او آنچه که اهمیت داشت، حرکت اعتراضی با بازار و روحانیت بود و بجای به چیز دیگر توجهی نداشت.

در یکی از همین جلسات، آیت الله به من گفت: شما از ما دگی و مبارزه مردم صحبت می کنید، در حالیکه روحانیت ما هنوز حرکت نکرده است و حتی به درک درستی از اسلام و حکومت اسلامی نرسیده است و در میان آنها هنوز کستی نتوانسته است تحلیل کاملی از انگیزه قیام امام حسین ارائه دهد (بد نیست بدانید که این مطلب را آیت الله پس از مطالعه کتاب امام حسین که توسط سازمان تهیه شده بود من به او داده بودم اظهار میکرد) البته در آن روز ما این نحوه برداشت آیت الله را از مسائل اجتماعی و مبارزات مردم، تا اندازه نسبتا زیادی بحساب دوری وی اطلاعی او از شرایط ایران و مسال متا شربودن از اخبار و گزارشات محدودی که توسط برخی از تجار و بازاریان ایرانی به او داده میشد

رفیق روحانی: قبلا برای شما توضیح دادم که در ملاقات های من و آیت الله قبل از هر چیز کوشیدم تا ریخچه تشکیل سازمان، ایدئولوژی مواضع سیاسی و فعالیت های سازمان را برای آیت الله توضیح دهم. و برای آنکه بحث های ما همه جا نثار باشد، برخی از نشریات درونی سازمان را نیز که در آن زمان در اختیار داشتیم برای مطالعه به آیت الله دادم.

پس از توضیحات مفصل من و مطالعه کتاب "امام حسین" توسط آیت الله، مسائل مختلفی مورد بحث ما قرار گرفت که من سعی میکنم نکات برجسته آن را بطور خلاصه در اینجا ذکر کنم.

از جمله مسائلی که بین آیت الله و من مورد بحث قرار گرفت، موضوع گیری آیت الله در قبال شرایط جامعه، شیوه مبارزه و نقش توده ها در انقلاب بود. آیت الله در خلال بحث پیرامون خط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: "مردم ما دگی برای مبارزه ندارند و کاری نمیتواند کرد و آقایان هم نمیتوانند کاری انجام دهند. اگر واقعا مبارزاتی (!) به کمک میکرد، مسئله طرور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد، ولی آنان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید."

در توضیح این مساله ابتدا من در باره وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و میزان نا رضایتی آنها چه در شهر و چه در روستا مطالبی را مطرح کردم و سپس نمونه های زیادی از حرکت های اعتراضی مردم نظیر تظاهرات مردم شهران در جلهم جهان بهلون تختی در سال ۴۶، تظاهرات ضد صهیونیستی در هنگام مسابقات ورزشی ایران و اسرائیل در سال ۴۸، جنبش گسترده اعتراضی علیه گران شدن بلیط اتوبوس در اصفهان ۴۸، اعتصاب کارگران جهان جیت و گشتار آنها توسط رژیم در سال ۵۰ مقاومت و ایستادگی حماسه آمیز دهقانان روستای "دوتیه" زنجان در مقابل فشار و ظلم و ستم فئودالها، اعتصابات و تظاهرات دانشجو - یان دانشگاه، تشکیل گروه های انقلابی و روی آوردن قشروسیعی از روشنفکران انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه، دستگیریهای وسیع و پیر شدن زندانیان جوانان مبارزان انقلابی، محکومیت و اعدام زندگان و حماسه آفرینیهای زندانیان تحت شکنجه و... را برای آیت الله یادآوردم و تا کیت کردم که در اینجا وظیفه و نقش عنصر آت که است که به آت که ای سازماندهی توده ها به پیرا زد و برای اطلاع آیت الله به تشریح و توضیح مبارزات و انقلابی که در چین، ویتنام، الجزایر، کوبا، فلسطین صورت گرفته و میگیرند برداختم و گفتم که چگونه در این کشورها نیروهای انقلابی با آت که به مردم و با نیرو و امکانات محدودی که در دست داشتند مبارزه با امپریالیست های جهانخوا را برخاستند و در این راه با پیروزی شدند و برای پیروزی خود همچنان به مبارزه سر سختانه شان ادامه میدهند. در ابتدا

شماره ۵۹ سال دوم - شماره ۸۰
دوشنبه ۱۹ آبان ۵۹

شماره ۵۹ سال دوم - شماره ۸۰
دوشنبه ۱۹ آبان ۵۹

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت بمن گفت این بود: **آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید (!)**. واقع امر اینست که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم، در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکائی شاه کشتار میشوند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکند و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینماید و بجای شعار تسلیح توده ها و قیام مسلحانه، شعار رشت در برابر گلوله را میداد و تا آخرین لحظه هم از دستورها و جهاد خودداری کرد.

شاه شاه ترس دارد، دیگر نمیتوان این گفته او را در سال ۵۹ که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم، یک برخورد تاکتیکی تلقی کرد. در اینجا باید به توضیح این نکته مهم بپردازم که عدم اعتقاد آیت الله به مبارزه مسلحانه معنی این نیست که در قبال طبقات و نیروهای که با آنها نماداً تناقض نیست (آشتی ناپذیر) دارد، دست به اسلحه نمیزد. بالعکس این قانومندی مبارزه طبقاتی است که طبقات متخاصم با استفاده از اشکال مختلف مبارزه و در رأس آن شکل قهرآمیز، در برابر یکدیگر به مبارزه برمی خیزند. مبارزه قهرآمیز بیرون ریا و زحمتکشان و خلقهای تحت تسلط ایران با رژیم شاه و متغایر کشتار و دمنش و وحشیانه مردم توسط این رژیم بیاگره میسازد. مبارزه مسلحانه در دوره یوم همین لیبرالها و آیت الله خمینی که در گذشته هر یک در سطحی از کشتار مبارزه مردم به سازش کشیدن آن و جلوگیری از تسلیح و مبارزه مسلحانه آنها علیه رژیم شاه جلوگیری و حتی پس از قیام برای حفظ ارتش و سیستم را به داری وابسته، به خلع سلاح توده ها پرداختند، از همان زمان به این طرف در مقابل مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت تسلط و فسادات نیروهای انقلابی و کمونیست بشدت ایستادگی نموده و پاسخ آنها را با گلوله و کشتار میدهند. مردم ما هیچگاه هلنکرکشی به کردستان و کشتار انقلابیون و خلق قهرمان کرد را که بدستور آیت الله صورت گرفت از یاد نمیبرند، مردم ما هیچگاه سخن سال گذشته آیت الله را در تاسف از اینکه چرا جوابهای دارا در میدانهای بزرگ برای کمونیستها و انقلابیون بیا نکرده است، از یاد نخواهند برد، مردم ما بیا در اندک همین ارتش و سپاه پاسداران مورد حمایت او چنان بیهوشی که در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و سایر مناطق ایران بیا نکرده اند، مردم ما بخوبی شاهد

کرده آن را تسلیح نمائید. و با مثلاً لیبرالها را در نظر بگیرید. آنها که در زمان شاه در صدد سازش و بدوست با رژیم و امپریالیستها بودند و میگفتند "شاه با بدسلطنت کند و نه حکومت" و مبارزه شان هیچگاه نه برای تامین خواسته های مردم (که نمی توانست باشد) بلکه برای بدست آوردن سهم بیشتری از غارت و استثمار کارگران و زحمتکشان بود، طبیعی است که برای رسیدن به چنین هدفی، با رلمانا ریم و شیوه های اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز مبارزه را

با رژیم شاه در پیش بگیرند. دعوی آنها بیا رژیم شاه و امپریالیستها دعوی دلدادگان بود و دعوی دلدادگان هم که نیازی به سلاح و قهر مسلحانه ندارد! اکنون آیت الله خمینی را در نظر بگیرید. هر چند که موضع آیت الله با موضع لیبرالها تفاوت داشت و آشکارا در میان او و اقشاری که آنها را نمایندگی میکرد بیا رژیم شاه و امپریالیسم تفاوت وجود داشت و در همین رابطه به یکسری حرکت های اعتراضی بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از سال ۴۱ به اینطرف دست زد. ولی تا مدت ها و تا همین او را خردوران رژیم شاه هیچگاه هدف سرنگونی رژیم شاه را در نظر نداشت و این را شما میتوان از مضمون و محتوای تمامی اعلامیه ها و خطابه ها و خطبه های آیت الله در دوران گذشته و از جمله سالهای ۵۷-۴۱ بدست آورید. رفیق تراب در مباحثه خودش با شما نمونه های برجسته ای از آنها را برای شما بطور مستند توضیح داده است و من دیگر نیازی به تکرار آنها در اینجا نمی بینم.

از اوایل سال ۵۷ به اینطرف هم که آیت الله با تا شریبیری از شرایط اعتلا جنبش و بیداری موقعیت انقلابی در ایران به مبارزه خود بر علیه رژیم شاه شدت بیشتری می بخشد، و برخلاف لیبرالها خواهنا نا نا بودی سلطنت دارا بران میشود، ولی با توجه به موضع طبقاتی او و قشری که آن را نمایندگی میکرد، و با توجه به ماهیت قدرت سیاسی ای که او در صدد ایجاد آن بود، یعنی حکومت اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه، هیچگاه حاضر به مبارزه ای جدی و قاطع بر علیه رژیم و ارگانهای آن و از جمله ارتش، امپریالیسم سرکوب دشمن نبود و شما مردم ما خوب میدانید که در دهه های گذشته در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکا شایه کشتار میشوند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکند و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینماید و بجای

واقعا امیری یا شاهی به ما کمک میکند، ما را به طور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد ولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید. جالب این است که آیت الله توصیه اش به ما که برای جلب کمک و همراهی او نه بخود، بلکه به انقلاب ایران نزدا و رفتنه بودیم، این سؤده که شما هم کاری اریش نخواهید برد و در سخنرانی اخیرش (۴ تیر ماه) هم با صراحت بیشتری به این مساله اشاره کرد و گفت من به اینها گفتم که "ببخود خودتان را به یاد دهید".

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت به من گفت این بود: **آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید (!)**. واقع امر این است که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم.

درید و ا مردم ممکن است تصور شود که منظور آیت الله از این گفته که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم"، جنبه تاکتیکی مساله باشد یعنی اینکه آیت الله مثلاً بدلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرفتن این مبارزه که غالبترین شکل مبارزه است، در آن شرایط آن را نفی میکنند و دان اعتقادی ندارد و این به معنی نفی ضرورت مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی نباشد.

روشن است که اگر منظور آیت الله از این گفته، چنین چیزی بوده باشد (که نمیتوانست باشد)، این حرف، کاملاً بجائی بود، چرا که منی ما آن روز بدلیل ویژگی ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی مان، یک مشی خرد بورژوازی بود که میخواست قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه را در شرایطی در دستور کار قرار دهد که توده ها هنوز آمادگی پذیرش آنرا نداشتند و مبارزات آنها در سطح یا بیشتری قرار داشت و از اینرو منی ما یک مشی آ و انتوریستی جدا از توده بود که بهیچوجه قادر به هدایت مبارزه طبقاتی توده ها نمی توانست باشد. اما من بیا بدینا قاطعیت شما بگویم که چنین تصور برداشتی در مورد اعتقاد آیت الله نسبت به مبارزه مسلحانه بهیچوجه درست نیست. این گفته آیت الله که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" نه از جهت تاکتیکی و نه از روی عدم آمادگی توده ها برای درگیر شدن در چنین سطحی از مبارزه، بلکه مشخصاً از روی عدم اعتقاد به ضرورت قهر مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی است و این دلایل فراوانی دارد که من سعی میکنم در اینجا به جنبه های آن اشاره کنم.

قبل از هر چیز بیا بدقت که اعتقاد به شکل مبارزه هیچگاه جدا از مضمون مبارزه طبقاتی و هدفی که مبارزه بیا طرآن صورت میگیرد نیست. بعنوان مثال رویونیستها و از جمله حزب توده را در نظر بگیرید. آنها با تجدیدنظر در اصول مارکسیسم و نفی دیکتاتور بیرون ریا و تبلیغ آشتی طبقاتی و بیا پذیرش راه رتد عیسریسم - داری و... طبیعی است که قهر انقلابی را هم نفی کنند و بجای آن روی مبارزه مسالمت آمیز تکیه

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادر در خارج از کشور و تشکیل ((اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر))

چندی پیش رفقای دانشجویان و محصلین هوادر سازمان در خارج از کشور سمیناری تشکیل داده و بر اساس تصمیمات آن سازمان خود را تحت نام "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادر" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "تأسیس" کردند. رفقای هوادر برای برگزاری این سمینار قطعه‌ها و پیکارهای خود را ارسال داشته اند که ما در اینجا فقط به درج گزارش از سمینار اروپا می‌پردازیم. اما موفقیت هر چه بیشتر این رفقا را در راه آرمان پرولتاریائی آرزو مندیم.

بحران اقتصادی و جنبش روبه‌علاقی خلق - های ایران و دریائی آمد آن بحران سیاسی در سالهای ۵۶ و ۵۷ در نقطه اوج خود در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به شکل قیامی شکوهمند و مسلحانه تجلی نمود. به علت ضعف نیروهای کمونیست و انقلابی و نبودن دستاورد منتهی طبقه کارگر، رهبری این جنبش عظیم را نه پیش از آن طبقه کارگر، بلکه خرده بورژوازی مرفه‌ستنی بدست گرفته و طبقه کارگر ایران و دیگر حاکمان را نیز بدنبال خود کشید. و در پی آن قدرت سیاسی توسط این قشر و به همراه بورژوازی لیبرال و با زمامدگان بورژوازی کمپرادور غیر بورژوازی کرات رژیم سابق غصب شد.

پس از حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت این رژیم به علت عدم تواناییش از حل بحران نه تنها بحران اقتصادی - سیاسی موجود به وجود نیافت، بلکه روز بروز عمیق‌تر آن افزوده گشت و در نتیجه جنبش خلقهای ایران رو به اعتلای انقلابی نهاد.

روزی نبود که جنبش قهرمانان نه خلقهای ایران در گردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، بندرانزلی و... سرکوب نگردد. در هر نقطه‌ای از ایران که صدای اعتراض بلند میشد با حمله شدید و گاه نهایی ضد خلقی رژیم عملاً از ریشه زایل می‌شد و سپاه پاسداران روبرو میگشت.

رژیم جمهوری اسلامی به این نیز اکتفا نکرده

سعی در باز پس گرفتن یک به یک دستاوردهای

انقلاب از خلق ایران را دارد. در پی این برنامه

و سیاست رژیم است که مقاومت دانشجویان

انقلابی در کلیه دانشگاهها به خون کشیده میشود

و فرزندان دلیبر خلق اعدام میگردند. در چنین

شرایطی است که وظایفی بس سنگین بر دوش

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی

قرار دارد و طبیعی است که مرزهای جغرافیائی

نه‌سدی در مقابل مبارزه طبقاتی خواهد بود و نه

مانعی برای انجام بخشی از این وظایف توسط

دانشجویان و محصلین خارج از کشور.

با آگاهی به این مسئله دانشجویان و

محصلین ایرانی هوادر "سازمان پیکار در

خارج از کشور برای انجام بخشیدن به مبارزات

خوددربی تشکیل سازمانی مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار برآمدند. بدین منظور و برای تحقق بخشیدن به این هدف خود پیکار سمینار سرتاسری با شرکت هواداران سازمان پیکار در خارج از کشور در شهر ریمینی ایتالیا در ۱۸ سیتا می‌برگزار کردند.

سمینار با اجرای سرود "ای رفیقان" از طرف کلیه رفقا آغاز گشته و پس از آن پیکارهای سازمان پیکار و دانشجویان و دانش آموزان هوادر "سازمان پیکار" که برای سمینار فرستاده شده بودند شرکت کردند. پس از آن به منظور اجرای اصل دمکراتیک‌ها تشریفه دانشمینیار متشکل از نمایندگان واحدهای کشوری شرکت کننده انتخاب شدند.

سپس به منظور آگاهی و جمع‌بندی از اوضاع هواداران در خارج از کشور کلیه نمایندگان واحدهای شهری گزارشی کوتاه از اوضاع خود ارائه نمودند.

در طول سمینار در باره مقاله‌ای از اوضاع ایران که در برگیرنده اوضاع جامعه از انقلاب مشروطیت تا کنون می‌بود بحث و سؤالاتی مطرح شد که رفقای بحثیهای خود به سؤالات نیز پاسخ دادند.

از دستاوردهای این سمینار تصویب اساسنامه‌ای موقت مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار بود. با تصویب این اساسنامه در ۲۱ سیتا می‌مطابق با ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ و انتخاب هیات مسئولین موقت که مرکب از سه نفر (مسئول تشکیلات و مالی، مسئول دفاع و بین المللی، مسئول انتشارات، تبلیغات و فرهنگی) می‌باشند. سازمان مورد نظر تحت نام

"اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادر" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تشکیل شد، که طبق بند ۲ اساسنامه این اتحادیه، "اتحادیه است دانشجویی، سیاسی، ملی و توده‌ای که خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک آن "بوسیله سازمان پیکار تدوین میگردد. اجزاء تشکیل دهنده این اتحادیه از طریق کانالهای تشکیلاتی که توسط خود سازمان پیکار ایجاد میشود در بر سه تدوین خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک شرکت دارند.

در حالیکه این اتحادیه از نظر تشکیلاتی مستقل میباشد. این اتحادیه در برگیرنده کلیه واحدها و هسته‌های شهری و کشوری هوادر سازمان پیکار میباشد.

هیات مسئولین موقت موظفند طی حداکثر شش ماه تعداد یک کنگره سرتاسری را بسازند، تا طی این کنگره اساسنامه دائمی تصویب و همچنین هیات مسئولین دائمی انتخاب گردند. به این ترتیب سمینار سرتاسری پس از ۵

روز در ۲۲ سیتا می‌با تصویب یک قطعنامه در مورد مبارزات مردم ایران و فرستادن پیامی به سازمان پیکار، دانشجویان و دانش آموزان هوادر سازمان پیکار، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی با موفقیت در میان شور و سرودهای انقلابی رفقای هوادر به کار خود خاتمه داد.

در ضمن در طول سمینار پیکارهای هیبتگی که از طرف "مسئولین اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادر سازمان پیکار"، "دانشجویان هوادر سازمان پیکار - هند"، "سازمان دانشجویان عراق در ایتالیا"، "کنفدراسیون دانشجویان ترکیه در خارج (TÖK/ÜD)"، "انجمن - های دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" فرستاده شده بودند شرکت کردند.

اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادر "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تأسیس شده است با پیوستن به "دانشجویان و دانش آموزان هوادر سازمان پیکار" مرکزی، همچنین با تبلیغ مواضع و فعالیتهای سیاسی سازمان پیکار و مبارزات خلقی ایران، افکار عمومی جهانی را آگاه سازد.

گسترده تر با درج مبارزات خلقی ایران! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ بر امپریالیسم و رجوع داغی! هیات مسئولین موقت اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور هوادر "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۹/۷/۱

پیام به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

با درودهای گرم و رفیقانه به شما رفقای انقلابی و کمونیست!

سمینار سرتاسری دانشجویان و محصلین هوادر "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" با قرائت پیام شادمان شور و شوقی که از ۵ روزه خود را در شهر ریمینی - ایتالیا از ۱۸ بقیه در صفحه ۲۵

بقیه از صفحه ۶ اخباری از...

بشت روستای مذکور سنگر گرفته بودند و روستا شدند. در نبردی که بین پیشمرگان و نیروهای دشمن روی داد، دشمن مجبور به عقب نشینی گردید. پیشمرگان به تعقیب آنها پرداختند و در ساعت ۱۰ شب کوههای پشت "دولاب" بدست پیشمرگان افتاد و آنها روبه گردنه "دولاب" و قلعه "مهوالان" عقب نشینی کردند. در این نبرد عده ای از ارتشیان و پاسداران و جاسها کشته و زخمی گردیدند. در ساعت ۴ صبح روز بعد پیشمرگان کومله و پیکا را برای پاک کردن منطقه از وجود پاسداران و جاسها با ریدیکوهای "سرجی" و "دولاب" بالا رفته و به سنگرهای آنان حمله بردند. مجددا در نبرد سخت و قهرمانانه که تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت پیشمرگان قلعه "مهوالان" و گردنه "دولاب" را پس گرفتند و دشمن بسوی شور عقب نشینی کرد.

در این نبرد دشمن که روحیه خود را از دست داده بود، در تمام مدت درگیری روستاهای "سرجی"، "تا"، "هتی من" و "کوله ساره" را با خمپاره و توپ می کوبید. در این درگیریها خسارات زیادی به دشمن وارد آمد و پیشمرگان همگی سالم به دولاب رسیدند و در آنجا با تشکیل اجتماع پرثوری برای مردم درمورد هدفهای عادلانه جنبش مقاومت و جناات رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق سخنرانی کردند. پیروزی پیشمرگان کومله و پیکا در بیرون راندن نیروهای رژیم ضد خلقی ایران و همچنین مزدوران وابسته به بعثت رژیم عراق را اعتماد زحمتکشان این منطقه را به پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت بسیا را افزایش داده است.

(بمنقل از خبرنامه شماره ۸۵ کومله)

حمله نیروهای ضد خلقی بعث
به روستاهای کردستان عراق

کردستان عراق ۲۷/۷/۵۹

ساعت ۲ بعد از ظهر این روز نیروهای ضد خلقی بعث عراق در حمایت از آش توپخانه سنگین بسوی روستاهای مرزی "شینی" و "نیوزنگ" پیشروی نمودند. در بلندبهای کوهستان "ما مهنده" پیشمرگان قهرمان "اتحادیه میهنی کردستان عراق" راه را بر آنها سد کرده و طی یک نبرد کم نظیر ده ساله دهها مزدور بعثی را به هلاکت رساندند و آنان را وادار به عقب نشینی نمودند. بطوریکه بعثتها حتی نتوانستند جنازه کشته شدگان خود را نیز از میدان خارج کنند. در این نبردها تن از پیشمرگان فدائیان انقلابی اتحادیه میهنی بشهادت رسیدند و ۴ نفر زخمی گردیدند. با دیبا افتخار آنها در تاریخ مبارزات عادلانه خلقها و زحمتکشان جهان همواره جاویدان خواهد ماند.

(بمنقل از خبرنامه شماره ۸۵ کومله)

شود؟ به بهای سازش با رژیم و خدمت به آن در جنگ ارتجاعی کنونی و زیر پا گذاشتن حقوق و دستاوردهای جنبش مقاومت خلق کرد؟ یا با تائیدین خواستههای برحق خلق کرد و رفع ستم ملی و طبقاتی از زحمتکشان کردستان؟ آنچه که مسلم است اینکه تائیدین خواستههای انقلابی خلق کرد، تنها از طریق مبارزه ای بی امان با هیئت حاکمه و پیوند این مبارزه با مبارزات خلقهای سراسر ایران میسر است و نه چیز دیگر در تحت حاکمیت ارتجاع، فقط در شرایطی که توده ها مسلح هستند میتوان ملحق به مبارزه را به ارتجاع تحمیل کرد.

ارتجاع هیچگاه ملحق را تقدیم نخواهد کرد. برای ما سردادن ندای "ملح در کردستان" آتش بس و... از طرف این نیروها تعجب آور نیست در جنگی که سرمایه داران دو کشور ایجاد کرده اند بنظر اینان مبارزه علیه ارتجاع خودی اولویت خود را از دست داده و می بایست همسو با بورژوازی و برای به اصطلاح دفاع از توده ها در جنگ ارتجاعی شرکت کرد. حال طبیعی است که اینان در مورد جنگی که از طرف ارتجاع حاکم به خلق کرد تحمیل شده دچار انحراف شده و نغمه صلح و سازش در کردستان را سر دهند.

جنبش خلق کرد و وظایف کمونیستها

جنبش مقاومت خلق کرد، عادلانه و انقلابی است، چون مبارزه ایست برای پاره کردن زنجیر سالها ستم ملی - طبقاتی. این جنبش با شرکت زحمتکشان شهر و روستا آغاز شده و همچنان ادامه دارد. در جنگی است متکی بر توده های زحمتکش مسلح و غیر مسلح. تنها زندمجا پیت همه جا نبه و فعال دیگر خلقها و بسویزه کارگران. تنها یزیدین جنگ ایران و عراق با جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه ارتجاع حاکم نیز درست در اساسی ترین مسئله مربوط به جنگ یعنی ما هیئت عادلانه و غیر عادلانه دانستن آن است. به علاوه آنچه که مهم بوده و باید بر آن تاکید داشت، از جمله اهدافی است که رژیم جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق بسویزه در رابطه با خلق کرد دنبال میکند و آن سرکوب همه جا نبه خلق کرد و بر لوی جنگ با عراق میباشد. آری، اینها مسائل اساسی هستند که دفاع طلبان و منادان ملحق به بوته فراموشی سپرده اند.

نمیدر صفحه ۲۵

بقیه از صفحه ۵ جنبش...

ندارد. کسانی که در پی به سازش کشاندن این جنبش با شنده بنا بودی کشیده میشوند بی سبب نیست که حزب خائن توده در میان مردم رزمنده کردجائی ندارد و بی سبب نیست که سازمان چریکها (اکثریت) بسنوا ن نیروئی فدا انقلابی ازدهات و شهرهای کردستان طرد میشود.

حملات خشمگینانه توده های زحمتکش شهری به دفا ترین سازمان در کردستان، نشانه دهنده تنفر عمیق خلق کرد از هر نیروی خائن و سازشکار میباشد. با عت تا فداست که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی قدم در راهی گذاشته اند که سازمان چریکهای فداشی (اکثریت) در دنیا له روی از حزب و رشکسته توده را آغاز نموده و به صف ضد انقلاب پیوست. این نیروها با مملاتی از قبیل دفاع از توده ها در مقابل به تاجا وزات عراق و "صف مستقل" نه تنها به انقلاب خلقهای ایران ضربه میزنند، بلکه عملا رژیم را برای سرکوب انقلاب و خلق کردن تقویت میکنند.

اکنون اینان نغمه مبهم و شوم "ملح در کردستان" را ساز کرده اند و اینجا و آنجا زمزمه ها برای خفیف کردن و یا توقف مبارزه انقلابی خلق کرد در حقیقت توقف مبارزه طبقاتی و ملی را سروده اند.

نگاه به نشریات نیروهای مثل رزمندگان و "راه کارگر" ما را بیشتر با مواضع منادیان سازش طبقاتی آشنا میسازد. رزمندگان در مقاله ای تحت عنوان "آتش بس در کردستان به نفع خلقهای ما است" به رژیم جمهوری اسلامی نصیحت میکنند که "بجای گشودن جبهه سوم بر علیه متجاوزین عراقی در کردستان" و "بجای اینکه اعلام آتش بس نما بیند و جنگ با خلق کرد را ادامه دهند همچنان به محاصره اقتصادی نظامی و کشتار خلق کرد ادامه میدهند." (رزمندگان شماره ۳۲).

در سرتاسر مقاله رزمندگان سخنی از خواسته برحق جنبش مقاومت خلق کرد در میان نبه مده است با پیدای اینان پرسید: کدام آتش بس و کدام صلح؟ هیچ نیروی انقلابی و کمونیست و هیچ خلق تحت ستمی مخالف صلح نیست. مهم این است که این "ملح" و "اتحادیه جنگ" و "اعلام آتش بس" به چه بهایی باید در کردستان برقرار

منتشر شد:

جریان جنگ

روزنامه جنگ در تهران و سایر شهرها منتشر میشود.

جنگ و

روزنامه جنگ در تهران و سایر شهرها منتشر میشود.

کودتای خائنانه

روزنامه جنگ در تهران و سایر شهرها منتشر میشود.

جنگ و

روزنامه جنگ در تهران و سایر شهرها منتشر میشود.

کودتای خائنانه

روزنامه جنگ در تهران و سایر شهرها منتشر میشود.





چگونه به تبلیغات علیه جنگ بپردازیم

نامه‌های بسیاری بدستمان رسیده است که ضمن برخی انتقادات به نحوه تبلیغ علیه جنگ در "خبرنامه جنگ"، خواستار توضیح چگونگی تبلیغ در این باره شده اند، ما می‌گوئیم تا در اینجا بطور مختصر به این مسأله پاسخ دهیم:

رفقا! همانطور که در مواقع رسمی سازمان اعلام کردیم، ما این جنگ را جنگی ارتجاعی و غیرعادلانه میدانیم که به زیان کارگران و توده‌های هردو کشور است. ما نحوه تبلیغ این سیاست در میان توده‌ها و با لایح طبقه کارگر بسیار ظریف و دقیق است، چه از طرفی با پدیده روحیه‌هاست با سیفستی و رفرمیستی که از موضع لیبرالی با جنگ مخالفت است و چه با گرایش‌ها و روشیستی که بیدارنگ جنگ داخلی را تبلیغ می‌نمایند، مرزبندی شود.

۱- انحراف با سیفستی - رفرمیستی:

اگر تبلیغات با بصورتی باشد که صرفاً فجایع جنگ، غرابی‌ها، ویرانی‌ها، آوارگی‌ها، کشتار و آتش‌سوزیها و... برجسته شده و بجای تکیه روی جنبه طبقاتی جنگ، به نتایج عملی آن توجه شود، با پدیده‌ها که ما در تبلیغات خود دجا را انحراف با سیفستی - رفرمیستی شده ایم چنین تبلیغات روحیه توده‌ها را دجا را خمودگی و سستی نموده، شور انقلابی آن‌ها را به ترس و دلهره از جنگ تبدیل می‌نماید. هرگاه تنها از فجایع جنگ سخن گفته شود، در توده‌ها ترس از غرابی‌ها و ویرانیهای جنگ و خود جنگ و ترس و نومیدی از مبارزه قهرآمیز شدت گرفته و متقابلاً روحیه صلح و آرامش لیبرالی جای آن را میگیرد. در شرایط کنونی که توده‌ها از پتانسیل انقلابی و شورمبارزاتی قوی برخوردار هستند، ما نه تنها باید از تبدیل این شور و شوق به خمودگی و ترس و وحشت از جنگ و آثار آن مانع شویم، بلکه با نمکس با پدیده تهییج توده‌ها بپردازیم و به آنها نشان دهیم که عدم شرکت آنها در جنگ نه از زاویه ترس و واهمه از جنگ و یا فرا زعوارش و آثار آن، بلکه با پدیدار واهمه ما هیت این جنگ و ارتجاعی بودن آن باشد. وگرنه در یک جنگ عادلانه و انقلابی این پرولتاریا و زحمتکش‌هاست که باید در صف مقدم بجبهه برای رهایی خود از زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع قهرمانان نه جنگند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نکنند. پرورش روحیه توده‌ها و حفظ رزمندگی آن‌ها و

زنده کردن خاطرات جنگهای انقلابی و آزادی - بخش سرنا برجهان و یا فیما بین ما و ایران و مبارزات حماسه آفرین خلق کرد و ترکمن در ذهن توده‌ها، از وظایف حتمی و روزمره کمونیستهاست و این هنگامی میسر است که ما در افشاگری‌های خود علیه جنگ اساساً و عمدتاً بر روی مضمون طبقاتی آن، و نه نتایج آن تکیه کنیم.

۲- انحراف آنتا رشیستی:

با تمام ایهیتی که مضمون طبقاتی جنگ برای ما دارد، هرگاه صرفاً روی آن تکیه شود و در این رابطه به ذهنیت و درجه آمادگی توده‌ها توجه نشود، یقیناً دجا رجنب روی شده ایم. مثلاً همان شعار "تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی" که یک شعار - ترویجی و بی‌انگیزه - سیاست استراتژیک ماست، تبلیغ آن در چنین شرایطی جز از ذهنیت خویش حرکت کردن و یک برخورد ناآشنا و آنتا رشیستی، معنای دیگری ندارد، چرا که اکنون در جاد مع ما موقعیت انقلابی وجود ندارد و توده‌ها در آن سطح آمادگی قرار ندارند که بخوانند و بتوانند این شعار را به عمل دربیاورند.

در همین جا و قبل از آنکه بطور مشخص به نحوه تبلیغ علیه این جنگ بپردازیم، باید در ارتباط با مطالب بازگوئیم که ما علیه رستم برخورد اصولی با جنگ ایران و عراق و حرکت از ما هیت ارتجاعی آن و عدم شرکت در این جنگ و مرزبندی با نظرات سوسال شوونیستی و دفاع طلبانه، در نحوه تبلیغ دجا را راست روی و چپ روی هر دو شده ایم، چه آنجا که در خبرنامه جنگ در مواردی بیش از آنکه به جنبه طبقاتی جنگ در اخبار و گزارشات تکیه شود به نتیجه و آثار مصیبت با آن تکیه شده بود و چه آنجا که در برخی از متون تبلیغی، شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به

جنگ داخلی مطرح شده بود و این تصور را بوجود می‌آورد که گویا این شعار را در دستور روز توده‌ها قرار داده ایم. اما ما بین و نحوه تبلیغی که با پدیده جنگ بکار گرفته شود از این قرار است:

افشاگری علیه جنگ با پدیده تنبذ افشای ما هیت دور زیم ایران و عراق و اهدافشان از این جنگ که مفایر با منافع توده‌هاست باشد، با پدیده توده‌ها توضیح داد که پیروزی هر یک از طرفین درگیر در این جنگ به تشبیت حکومت آنتا و بندگی بیشتر توده‌ها خواهد انجامید. با پدیده توده‌ها نشان داد که جناح‌های مختلف رژیم با استفاده از این جنگ می‌کوشند که موقعیت خود را بر ضرر حریف هر چه بیشتر تقویت کنند. با پدیده ادعاهای دروغین حکومت را مبنی بر مبارزه خدا مهربا لیستی اش در این جنگ رسوا کرد و نشان داد که تصمیم به آزادی گروگانها تلاشی است برای گرفتن اسلحه و قطعات بدکسی از امپریالیسم آمریکا و آغاز روابط گسترده با آن و نشانه‌ای است از اینکه رژیم هرگز نمی‌تواند علیه امپریالیسم مبارزه کند. با پدیده نشان داد که چگونه رژیم با شدت هر چه تمام تر به سرکوب کارگران و زحمتکشان می‌پردازد و چگونه با استفاده از شرایط جنگی، خفقان و ترور و سرکوب خود را گسترش داده و عملاً نوعی حکومت نظامی ایجاد کرده است. با پدیده نشان داد که چگونه رژیم به پدیده جنگ تشکلات منفی - سیاسی طبقه کارگر را بیش از گذشته با بود میکند، تولید را افزایش میدهد، کارگران را آجرا می‌کند، چگونه جنبش خلق کرد را و جنبه‌ها به مورد حمله قرار میدهد و به کشتار زنان و مردان و کودکان و محاصره اقتصادی کردستان می‌پردازد. چگونه فعالیت انقلابیون را محدود و تر کرده و به دستگیری و

بسوی فردای سرخ

من یک مادر هوادار سازمان پیکار هستم که این شعرا به تمام می‌زنان زحمتکش تقدیم میکنم. به امید پیروزی زحمتکشان.

اینک سم توه هم‌هزاره‌ها گاهای سمی کارخانه در هم آمیخته است و کارگران، همه قربانیان سرما به در جنگی نابرابر بدنهای خونین و گرسنه‌شان میهن سرما به داران را پاس میدارد. و همچنان جمهوری سرکوب تا زبانه‌ها را بریدن خونین و گرسنه خلقها می‌تازاند و همچنان در جمهوری فریب صف متحدکارگر جدا، جدا و متفرق، به اعماق جامعه رانده میشود و هنوز هم بچه‌های کوچک خزانه هر روز صبح با آرزوی رفتن به مدرسه

به کارخانه‌ها سرازیر میشوند. و هر روز هزاران هزار مردان کار بی‌کار و گرسنه در شهر پرسه می‌زنند و آهسته آهسته دیوارهای توهم شهر را با مشت‌ها نشان بلرزه در می‌آورند و همچنان جمهوری توهم، در شهر حکمفرماست و غفلتشان خون آشامش

هر روز با شکمهای آما س کرده و دستهای پنبه‌ای شان در شهر به گردش می‌روند ولی این را مشت‌های آهنتین کارگران، چشمهای سرخ بچه‌های خزانه این رازنان زجر دیده و قهرمانان این را خلقهای دلاورمان بزودی خواهند دانست، که چگونه دیوارهای فریب و توهم را درهم شکنند و گام بسوی فردای سرخ بگذارند، که جمهوری توهم و سرکوب و فریب ماندنی نیست، که تا کمیت سرما به، جا و دانه نیست. با شیر ۵۹

رفیق کارگر!

خوبش است. در مورد غنی تر کردن اخبار کارگری نیز، بیش از همه رفقای کارگر کمونیستی مانند تومی با یستی بگوشند تا نشریه شان پیکار اخبار دقیق تر و ارزنده تری در اختیار داشته باشد و اخبار کارگر و رزات مبارزات کارگری و وقایعی که در کارخانه ها و محلات زحمتکش رخ میدهد برایمان بفرستند.
به امید پیروزی راهمان!

با درودهای گرم رفیقا نه دست را میفشاریم در مورد کمکهای مالی تو و دیگر زحمتکشان با ید بگوئیم، اصولاً یک سازمان کمونیستی با ید اساساً بر کمکهای کارگران و زحمتکشان اتکا داشته باشد و سازمان ما نیز با کمکهای کارگران و زحمتکشان، قادر به انجام وظایف انقلابی

نامه ای از یک مادر مبارز

سلام من به سازمان پیکار که زحمت زیادی در راه مبارزه با امپریالسم آمریکا و دولت مرتجع مکتشد بسیارم
دوستدارم که در این راه موفق باشی من مادری هستم
با ۵ فرزند، من چندان سواد ندانم و با آوردن روز
نامه پیکار که بچه هایم برایم خوانند اطلاعات و
آگاهی زیادی بدست آورده ام و از اینکه شما شب و
روز در راه طبقه کارگر و زحمتکشان کوشش و تلاش کنید
بسیار متشکرم و امیدوارم در این راه همیشه پیروز
باشید و من که این روزها مادر بچه هایم و هر چه خودم
توانم دی خواهم چیزهایی که از آن ها فهمیده ام
تا آنجا که بتوانم به دیگران بگویم و هیچ کاری
از دستم ساخته نیست و اگر کو چکتر من کاری هم که
بتوانم میکنم کمک تا چیزی که شما داشته ام و پول
کلوزی که این است که کمک امپریالسم و رد قبول شما
باشد و اگر کاری دیگر از دستم ساخته باشد با شما هم
در انجام آن حاضرم امپریالسم پیروز باشد
مادر شما - ن

استوار میگردد. تمامی کوششهای ما منتهی
آن است که بتوانیم رابطه ای تنگاتنگ و
استوار با زحمتکشان برپا کرده، ما انقلاب را
به پیش ببریم. کمک و حمایت شما نشانی از شرمه
تلاشمان است.
پیروز باشید!

کمکهای گرانقدر شما را دریافت کردیم.
اینگونه حمایتهایی که سوله زحمتکشان به ما
میشوند چنان پشتیبانی به ما میدهد که موجب
افزایش انرژی و تلاشمان در مبارزه با ستم

مادر ما را!

کشتا و بیشتر ما نه آنان دست زده است، با ید نشان داد که چگونه رژیم به پناهنده جنگ، به لگد مال نمودن دستاوردهای انقلاب پرداخته و با منحرف نمودن اذهان توده ها و با فریب آنها مانع بسط و گسترش مبارزات انقلابی و غذا میر با لیستی توده ها میشود. به علاوه در این جنگ، با بدو ظایف طبقه کارگر به شدت تبلیغ گردد، با ید پیروزی مبارزات مسلحانه خلق که علیه رژیم و حقانیت این مبارزات تبلیغ شود، با ید مواضع خائنانه روبرو نیستیهای "سجانی" و "توده ای" و فداشی (اکثریت که به دفاع کامل از بورژوازی خودی برخاسته و تنگه سازش و تسلیم را برای کارگران و توده ها سر می دهند) افشا نمود، با ید انحرافات روبرو نیستی و دفاع طلبانه را که میکوشد جنگ کنونی را آشکارا و غیر آشکارا دلاانه جلوه دهد و از این طریق توده ها را به قربانگاه بورژوازی می فرستد، با ید ای رسا اعلام و بر علیه آن مبارزه شود، با ید به پرورش روحیه انقلابی کارگران و زحمتکشان توجه جدی شود و با هرگونه بی تفاوتی و با سیغیم در قبال جنگ مبارزه شود، با ید نشان داد که جنگ در راستای خود با تشدید فاکت توده ها همراه بوده و ناگزیر با رضایتی و عصیان توده ها را برخواهد فروخت و آنان را در مبارزه علیه رژیم به پیش خواهد راند و با ید به ضرورت مبارزه با جوخه فاشیستی و سرکوب آزادیهای دمکراتیک و ضرورت مبارزه در جهت دفاع از آخرین دستاوردهای قیام در تبلیغ منعکس شود. آری، تنها با تکیه بر این وسایل و برجسته نمودن آن در تبلیغ میتوان از زاویه طبقاتی (و نه فرمیستی) به تبلیغ علیه جنگ پرداخت، توده ها را آگاه کرد، آنها را سازمان داد. و از این طریق به رشد و گسترش جنبش توده ای ما من رده و توده ها را هر چه وسیعتر و گسترده تر بسازد انقلاب آماده ساخت.

پیروز باشید!

نامه ای از رفیق کارگر "الف"

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اینک که این نامه را من نویسم در کنارم نشریه پیکار ۱۳ آبان و کتاب کارگر و زحمتکشان ما نیست است. در حال خواندن پیکار بودم که صفحه نامه ها و کمکهای مالی را دیدم و به فکر نامه نوشتن به سازمان افتادم و از خود انتقاد کردم و گفت پولی را که از راه فروش نیروی کار خود به شما به دست آورده ام برای سازمان بفرستم برای هر چه بیشتر آگاه کردن کارگران و زحمتکشان در مورد انقلاب و حزب کارگر. در ضمن از شما میخواهم خبرهای کارگری را افزایش دهد و آدرس کارخانه و یا کارگاه را فراموش نکند.

برای سازمان آرزوی موفقیت می نمایم، چون نشریه پیکار، این نشریه کارگران و زحمتکشان را هر زمان که در هر کجای سرخات منتشراند

آنچه در این شماره در ذیل عنوان فوق می آید ادامه مقاله شما ره پیش است که متأسفانه به دلیل کمبود جا در این شماره آمده است. در قسمت های قبلی مقاله به ظهور جنبش کارگری و کمونیستی و سهمی که این جنبش در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق های عراق ایفا کرده پرداختیم. سپس به سازش و خیانت ریز یونیونیستها و پشت کردن آنها به انقلاب و انشعاباتی که در حزب کمونیست عراق رخ داده اشاره نمودیم. بنگ دنباله مقاله:

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

۳

نتوانستند از اینهمه امکانات تنفع طبقه کارگر و حاکمان و در جهت کسب قدرت سیاسی استفاده کنند.

"حزب کمونیست عراق" (رویزیونیست)

همانطور که گفتیم از سال ۵۶ پس بعدگرایش رویزیونیستی در درون حزب کمونیست عراق تشدید شد و در سال ۶۴ به تاسیس رسمی سیاست اقتصادی رژیم ارتجاعی عارف از طرف رهبری

بطور خلاصه: جنبش کمونیستی عراق دچار انحرافات گوناگون و مهمتر از همه رویزیونیستی شد و امکانات پیروزی که در نتیجه شرایط عینی جامعه و جغرافیای مبارزه طبقاتی فراهم بود علیرغم فداکاریها و ده سال تلاش پیگیرانه کمونیستها عملاً از دست رفت. هم اکنون از حزب کمونیست عراق - فرماندهی "مرکزی" یک رهبری اسمی مانده است که فردی بنام "ابراهیم علوی" خود را دبیر کل آن مینامد. وی در سوریه اقامت دارد. گروهی از اعضای انشعابی فرماندهی مرکزی نیز با انتشار نشریه ای بنام "وحده القاعده" یعنی وحدت اعضا و کادرهای حزب خود را به همین نام می نامند. طی دوسه سال اخیر در میان اینان اختلافاتی که یکی از آنها بر سر قبول یا عدم قبول تز فدا نقلابی به جهان است بروز کرده و موجب انشعابها و تمغیه ها شده است. گروه دیگری هم هست که خود را "کمونیست های انقلابی عراق" مینامند و نشریه ای بنام "الاماس" هر چند گاه منتشر میکند. این گروه ها بیشتر در خارج اند جنبش کمونیستی عراق در زیر ضربات شدید حکومت های بورژوازی که با شدیدترین شیوه های فاشیستی به سرکوب کمونیستها پرداخته اند با

خیانت های رویزیونیستها نیز مواجه بوده است. در اثر همین ضربات در داخل و خارج جنبش کمونیستی عراق در وضعیتی شدیداً ناامیدان بسر میبرد. این جنبش در شرایطی که از بیگانه گسترده بوده ای بین کارگران و حاکمان و اقلیتهای قومی (کرد ها) و مذهبی (شیعه) تحت ستمی به داشت (برای مثال یکی از بیگانه های معتبر - کمونیستها در نجف بود) در شرایطی که بورژوازی ملی شدیداً ضعیف و نیروهای سیاسی نماینده خرده بورژوازی نیز ضعیف بودند و نیز در شرایطی که کمونیستها حتی در مواضع کلیدی اداری و ارتش ما حجب نفوذ بودند و بر بسیاری از اتحادیه های منفی هژمونی خود را اعمال میکردند و در کارخانه ها، روستاها، شهرها، مدارس و دانشگاه ها حضور فعال داشتند و در کردستان نیز از پایگاه مناسبی برخوردار بودند، بدلیل حاکمیت رویزیونیسم و بورژوئیزم بزرگتری حزب

نداشته باشد" طبق توافق، حزب با اصطلاح کمونیست حق داشت روزنامه میومیددا شده باشد. این روزنامه بنام "طریق الشعب" یعنی "راه مردم" منتشر میشد. فرق این روزنامه با روزنامه های دولتی این بود که در این روزنامه اخبار کشورهای "برادر" یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی و اقمار را می خواندی. اما همینجا این را انصاف بدهیم که آنها علیرغم آنهمه ذلتی که نشان داده بودند به پای حزب توده در جای بلوی نسبت به رژیم نمی رسیدند!

دبیر کل حزب رویزیونیست عراق "عزیز محمد" نام داشت که البته از همتای خود کیانوری خوش تر نشتر است چون با لایحه توانسته است از دست آریاب "جایزه لنین" را دریافت دارد و به بعضی از سمت ها منحل شده است. جمعیت طرح و همبستگی در عراق تا نال آید.

بعضی های عراق با دادن جنبش امتیازاتی به رویزیونیستها از شوروی گواهی حسن اخلاق گرفته، توانستند عراق را تا حد تبدیل زرادخانه

ما با کمونیست های عراق که علیرغم فشار و سرکوب های فاشیستی رژیم حاکم از یک طرف و خیانت رویزیونیستها از طرف دیگر همچنان مصمانه در مناطق مختلف عراق پویژه در کردستان و بلاد خارج از عراق در راه رهایی طبقه کارگر و دگر حاکمان عراق مبارزه میکنند، از آنها که به انقلاب و لنینیسم وفادارند و با انحرافات رویزیونیستی در اشکال متعدد دشمنان مبارزای خستگی ناپذیر را به پیش میبرند، در پیوندی عمیق بسر میبریم.

سلاح های روسی ارتقا بخشیدند و بصورت و بترس "راه رشد غیر سرما به داری" بیرون آمدند! روزیونیست های عراقی عناصر انقلابی حزب و کارگزارانی را که حاضر نشده بودند خط آنان را بپذیرند و رژیم را بپذیرند و در درون خود باقی بمانند، در پیروم سال ۷۷ خود نتیجه گرفتند که صدام حسین با این همه مترقی شدن، امید کمونیست شدنش میروید! رویزیونیستها برای خوش آمدن رژیم کار را با بی رساندن که وقتی اختلاف بین بعث و حزب دموکرات کردستان بالا گرفت، حاضر شدند سلاح بدست گرفته علیه خلق کرد و

تنفع بعث میکنند. اما این ماه عمل دیری نباشد. یعنی ها پس از چند سال احساس کردند که بازی "جبهه ملی و قومی مترقی" دیگر از مصرف افتاده و ادا شده است. ضررهای همداشته باشد (میزان عقیم اندکی و ارتجاعی بودن را نکند که از رویزیونیست ها هم بیشتر است) تبعات ندارد مگر همینجا (جنبش نیست؟! این است که بتدریج روزنامه حزب را با مواضعی روبرو کرده از انتشار آن جلوگیری نمودند. چند کتا بغروشی هم که حزب داشت یکی یکی درش را بستند. "عزیز محمد" که

صفحه در صفحه ۱۶

انجام میداد پس از آنهمه سرکوبها، با کودتای بعث در سال ۶۸ و شعارهای بر طبع عراق، رویزیونیست های عراق که تشکیلات خود را "حزب کمونیست عراق - کمیته مرکزی" می نامند، بنا به ماهیت خودشان و توصیه "برادر بزرگتر" ماده سازش هر چه بیشتر شدند. پنج سال از کارزار ۶۸ تا ۷۲ چنانچه دوسر انجام رژیم با اصطلاح مترقی ملی و ما میریالیست عراق "جبهه ملی و قومی مترقی" تشکیل داد. "جبهه ای که بر رهبری حزب بعث و با مشارکت حزب کمونیست (رویزیونیست) حزب دموکرات کردستان (برهبری سارزانی) و ناصریستها بوجود آمد. رویزیونیستها خود را مانند حزب توده، حزب طبقه کارگر می دانند و دولتی - اساسی توافق با دولت و قیمت "فعالیت علمی حق ندارند و مداری فعالیت نمایند، در ارتش که هرگز! حزب بعث حق فعالیت سیاسی درون ارتش را ندارد! خود میداند. در سال ۷۸ قریب ۱۴ نفر با بیشتر از نظامیان عراقی را که با حزب ارتجاعی داشته اند به حوجه اعدام کردند و حزب در پاسخ به این اعتراض که چرا اسکوت کرده اید گفت: "می خواستند با حزب تماس بگیرند! ما از اول قبول کرده بودیم که ارتشی ها را بطای یا ما

تجاوزت فاشیستی عراق به خلق های ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

اخبار جنگ

ورود اسلحه های آمریکائی

اوایل آبان ماه سه فروند هواپیما ی باری در فرودگاه مهرآباد به زمین می نشینند. نمایندگان سه هواپیما در فرودگاه مطرح میکنند که محموله خود را باید تحویل نمایندگان وزارت بشوند. پاسداران بدلیل اختلافات خود با ارتش با این امر مخالفت میکنند و به مقامات دولتی اطلاع می دهند. سپس بهشتی به محل آمده و میگوید: "اینها اسلحه است و باید هر چه زود تر تحویل ارتش بشود". پس از این دستور تخلیه هواپیما ها شروع میشود. آنچه مهم است اینکه این هواپیما ها از یکی از فرودگاه های آلمان آمده و روی جعبه های محموله شان نوشته شده بود: "بزیان خودمان ساخت آمریکا".

بی سبب نیست که رژیم جمهوری اسلامی بر تحویل گروگان های جاسوس اصرار می ورزد و زیرا او برای پیشبرد جنگ ارتجاعی و سرکوب انقلاب به اسلحه های آمریکائی محتاج است.

جاسوسی حزب توده برای سپاه پاسداران

رویزونیست ها نوکرو جاسوس بورژوازی میباشند. از زمان شروع جنگ ایران و عراق همه رویزونیست ها - ها و از آن جمله حزب خائن توده پیوسته برای دستگیری و سرکوب انقلابیون بویژه کمونیست های پیگیر ارتجاع حاکم کمک کرده اند. نمونه زیر یکی از موارد جاسوسی تودهای هاست: چند روز پیش دروازه های شهرآبادان بسته بود و تنها راه خروجی از شهر برای توده های مردم و خلاص شدن از ترکش های خمپاره راه آبسی در انتهای شهر بود. برای راهنمایی مردمی که در پی خروج بودند، هواداران سازمان پیکار روی کاغذ بزرگی نقشه خروج از شهر را کشید و در یکی از ناحیه های آبادان به دیوار میچسباندند. در این هنگام چند لهن ویک "تودهای" در محل بودند فرد لهن گفت: "اینها جاسوس هراقتند". توده ای خائن گفت: "ستون پنجم که میگویند همین است و شاخ و دم ندارد". در این موقع رفیق هواداره افشاگر یپرداخت "تودهای" بلافاصله از آن محل رفته و چند دقیقه بعد سر

وگله کمته چی ها پیدا شد. آنها نقشه را کند و گفتند "کسی را که این نقشه را کشیده نشان دهد د تا تکه تکه اش کنم".
"توده ای" خائن کار خودش را کرد و مانند همیشه خیانتش به انقلاب و نوکری اش به بورژوازی را به اثبات رساند.

اعتصاب فرماندهان برای بنی صدر

۵۹/۸/۴ - دستون زری که از طریق ماهشهر طرم آبادان بودند پس از دوروز تاخیر در حوالی ماهشهر به سمت آبادان حرکت کردند.

طت عدم حرکت این دستون اعتصاب فرماندهان آن بوده است. پس از برکناری بنی صدر از سمت ریاست کل قوا ریاست شورای عالی دفاع فرماندهان ارتش به حمایت از او اعتصاب میکنند. پس از آنکه بنی صدر در صاره درست خود ابقا میشود فرماندهان از اعتصاب خود دست میکنند و به ستونهاد ستون حرکت میدهند. این خبر در واقع از یکسو بهمان تضاد ارتش و فرماندهان مزدور و حزب و پاسداران و از سوی دیگر تضاد یکی ارتش به لبرالها میباشد. و واقع اگرچه در ابتدای جنگ تضاد های درون هبات حاکمه بظا هر تخفیف پیدا کرد اما ادامه جنگ بیش از پیش تضاد ها را تشدید نموده و رژیم را به استیصال بیشتر می کشاند.



بقیه از صفحه ۱۵ نگاهی...

کشود را هی که در نتیجه خیانست رویزونیست ها از سگلاخ ولخته های خون انباشته است.

ما با کمونیست های عراق که علیرغم فشار و سرکوب های فاشیستی رژیم حاکم از یکطرف و خیانت رویزونیست ها از طرف دیگر همچنان مصممانه در مناطق مختلف عراق بویژه در کردستان و بادرخارج از عراق در راه رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان عراق مبارزه می کنند، از آن ها که به انقلاب ولنینیسم وفا دارند و با انحرافات رویزونیستی در اشکال متعدد مبارزه ای خستگی ناپذیرا به پیش می برند، در پیوندی عمیق برمی سرنوشت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در عراق و ایران بهم پیوسته است. همبستگی بین کمونیست های ایران و عراق جزئی از انترناسیونالیسم پرولتری است.

به مکتوب اروپای شرقی رفته بود در همانجا بدفاع از حزب یکی پس از دیگری تعطیل شد و اعضای حزب (که بسیاری از آنها تا آکا ه و فریب خوده اند) "هرکس از گوشه ای فرار کنند!" اما رویزونیست های عراق ظاهرا هنوز حزبشان منحل نیست، چون هنوز عراق به روابط با شوروی نیاز دارد و شوروی هم به دوست "مترقی و فدا مهربان" اش "سدام حسین" محتاج است. آنچه گفتیم تصویری موجز از تراژدی حزب کمونیست عراق بود که مسلما تراژدی نخواهد ماند. طبقه کارگر عراق و نیروهای انقلابی و کمونیست نماینده آن با درس گرفتن از تجارب غنی و عظیم گذشته راه را بسوی پیروزی خواهند

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

«ملاحظات کوتاه»

فقط يك معيار!

در ساخت مذهب رژیم‌گونی بسیاری از نوده - ها دچار توهّم بدو سرخی از نیروها دچار انحراف ا گر هیچ معیاری برای شناخت درست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی وجود داشت، تنها نمونه زیرکانه‌ای بوده که معلوم شود این رژیم بر حسب ادعایش "مدا میریالیست" و "انقلابی" است یا برعکس؟

آمریکا و رژیمهای ارتجاعی مثل رژیم سابق ایران کمونیستها و نیروهای انقلابی را دشمن شماره ۱ خود میدانستند و هرگز از سرکوب آنها غافل نمی شدند. رژیم جمهوری اسلامی هم همینطور، اینک رژیم‌گونی در بدترین شرایطی که گیر میکند از حمله و انهام به کمونیستها و نیروهای انقلابی و تلاش برای سرکوب آنها ن غفلت نمی کند، اینک امروز هم مانند گذشته کمونیستها و مهادین خلقی به زندان میافتند و در سیدادگاه - های در بسته محاکمه میشوند (نمونه اخیرش سعادت‌نای اوبادون محاکمه (آنطور که در جریان اعدام و قتل‌اندیشار، سیک‌اندام و شرقی بدست خلخال‌ی جلاد رژیم‌انقلابی افتاد) به‌دو حوا اعدام سیرده میشوند، اینک نشریات کمونیستها و مهادین ممنوع است و توزیع کنندگان تحت پیگرد قرار می گیرند.

آری همین رفتار با انقلابیون را که دشمنان سازش‌ناپذیر میریالیسم انداگر معیار و ملاک بگیریم به نتیجه‌ای جز ارتجاعی بودن و ضدانقلابی بودن این رژیم نخواهیم رسید.

از فلسفی، واعظ دربار شاه چه خبر؟

ما تاکنون چندبار چهره ارتجاعی فلسفی واعظ معروف دربار و حادفاکن کودتای آمریکا را ۲۸ مرداد را افشا کرده و یکبار هم عکس او را در کنار سیب‌باز اهدای جاپ کردیم و مواضع ضد کمونیستی او را که از "برکت" رژیم جمهوری اسلامی فرصت ظهور بر مایه‌ی ویرا دیو و تلویزیون یافته است افشا نمودیم. چهره رشتیه ۱۴ آبان ماه چشمان به "حمال" ایشان در کنار آیت‌الله خمینی روشن شود دریا تنم که خاکی ما شد فلسفی که در عذیت با نیروهای مترقی سابق متمدن‌سوا ه دارد، در جریان یک پیوند طبقاتی در کنار آیت‌الله خمینی نشسته است و آیت‌الله با لحنی "صمیمانه خودمانی" میگوید: "ما با هم قیام کردیم که اسلام را زنده کنیم و انشاء الله به ساریاها هم درکنیم. ما همه برادریم هم هستیم، دوست با هم هستیم و میدوریم همه ما دوش بدوش هم هرکس هر مقداری که بتواند

وزیمکنانی است که سوسلدرما به داران و دولت نمائنده آنها رژیم جمهوری اسلامی حیا و لغارت میشود.

در نشریات پیکار حجابات جمهوری اسلامی در کشا رزن و مرد و کودک خلق کرد، خلق ترکمن، سرکوب کارگران پیکار و... سیرحما به افشای میشود.

نشریه پیکار، جنگ ایران و عراق را حکی غیرعادلانه، حکی که بر علیه منافع رژیمکنان و کارگران ایران و عراقی است و جز کراشی، سیکاری، تحقیر و فخر و ویرانی بدینال شدارد اعلام و آن را محکوم میکند.

نشریه پیکار این جنگ را جنگ سرما به داران ایران و عراقی میدانند، حکی که فرزندندان کارگران و رژیمکنان ایران و عراقی قربانی حری و آژوگوشتم و توب سرما به داران میشوند، آری دشمنان پیکار، حکمانی حصرما به - داران و رژیم نمائنده آنها جمهوری اسلامی میتوانند؟!

آری آنها از سر آکا هی نوده ها، از سر س اینک حجابا نشان هر چه بیشتر در نزد توده ها افتاد و سیرلا کرده، محصورند از یک طرف جلوی فروش پیکار را بگیرند و از طرف دیگر تبلیغات بی شرمانی خود، به خیال باطل خویش مردم را از خواندن آن منع کنند.

اما خورشید را بکل نمی توان اندود. آری نوشته های پیکار حقیقت است، نوشته های پیکار در ددل کارگران و رژیمکنان است. نوشته های پیکار در ددل کپرنشینان خوزستان دهقانان کردستان و ترکمن صحرا، کارگران کارخانه ها و مردم هر حمتکنی است و آن را نمیتوان با تبلیغات مفتوح اینجانی از حتم مردم انداخت!

هر چه رسوا تر با تبلیغات دروغین رژیم جمهوری اسلامی!

هر چه افزون تر با آکا هی و خوشیاری کارگران و خلق فیرمان ایران! برقرار با دیمپوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کیلان ۱۳۵۹/۸/۶

چه کسانی...

در نشریه پیکار چه چیزهایی نوشته شده که آنها را چنین به هراس انداخته است؟

کارگران، رژیمکنان، مردم مبارز کیلان! این روزها، رژیم جمهوری اسلامی وارکانه‌ای سرکوبگرش مانند، سیاه به داران، ستادیسج مستضعفین و تها میرما به داران و مفتخواران، موج وسیعی از تبلیغات دروغین را بر علیه سازمان پیکار و نشریات آن بخصوص نشریه پیکار به راه انداخته اند.

رژیم جمهوری اسلامی و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، در روزی نامه ها و مقالات حسود سازمان پیکار را دشمن طبقه کارگر و مردم ایران، عامل پیکار نه... قلمداد میکنند (همان با وده - ها) که رژیم به مدور همیشه بر علیه کمونیستها میگفت! اما با بدیه این حزب ارتجاعی گفت: دشمن طبقه کارگر و رژیمکنان و عامل پیکار نه حزب ارتجاعی شماست که مزدور و جاسوسی مثل آیت انگلیسی مغر منکفرش است. دشمن طبقه کارگر حزب شماست که بهشتی ها و رفسخانی های مرتجع و سرما به داران در را س آن قرار دارند.

دشمن طبقه کارگر و رژیمکنان رژیم جمهوری اسلامی است که حساسیتش تا مرفق به خون خلق کرد، ترکمن، عرب و کارگران آغشته است، رژیمی که جاسوسی مانند میرا انتظاما، مدنی ها را انقلابی میخواند و بر مسند قدرت می نشاند.

رفقای سازمانی ما کسانتی میباشند که در دوران خونبار روسیه رژیم جنا پیکار و آدمکش شاه، در همان زمانی که مفتخواران در قدرت گنونی، در لاک خود فرو رفته بودند، به مبارزه انقلابی با رژیم مزدور و پهلوی مشغول بودند و شهدای جانبازی چون، صدیقه رسانی، محبوبه - متحدین، سرور آلابوش، حسن آلابوش، محمدرضا - آخوندی و... همسگران رفتای ما بوده اند. آری دشمنان پیکار، دشمنان طبقه کارگر و رژیمکنان یعنی سرما به داران و کلیه مفتخوارانی میباشند که زندگی انکلی آنها از مکیدن خون کارگران و رژیمکنان تا مین میشود.

در نشریات پیکار، صحبت از حقوق کارگران

بشید از صفحه ۱۰ مصاحبه...

احکام دادگاههای انقلاب اسلامی مورد اسد کامل آیت الله هستند که وزرای هودا، روسای برجسته واک و حتی کودتاچیان را عفو میدهند و با به چندان زندان محکوم میکنند. ولسی کمونیستها و انقلابیون را به هر مدافع آزارمان کمونیسم و منافع رژیمکنان در دادگاههای در بسته و حتی دادگاههای صحرانی حدس نهادهای محکوم به اعدام میکنند! (۱)

آری، از نظر آیت الله و فتری که و آنها را نمابندگی میکنند و بیشتر آن لبرالپاری

بشید از صفحه ۱۹ (۱) - با ورق از پیکار: مرا جعه کنیده حکومتی محاکمه رفقا منوچهر نیک اندام و محمد شرقی توسط خلخال‌ی جلاد (مترج در همین شماره)

بشید از صفحه ۲ سرمقاله...

عادی بین ایران و آمریکا به فشار ریشتری روی خواهد آورد. بخصوص در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود از موضع ضعف خواها ن برقراری مناسبات امتدادی و سیاسی با آمریکا ست و فعلا لاده می‌کوند اسلحه های امیرالیسم آمریکا را بدست آورد، دولت ریکان درسی آن خواهد بود اسلحه های متر موضع قدرت امتیازات سستری کسب نماید، آنچه حاشا همت است اسلحه ای که رژیم جمهوری اسلامی از نقطه نظر برجی خواها ن سیروری کار بر سر بود، اما از آنجا کد مناسبات با امیرالیسم آمریکا نید - ساز دارد، همچنان سیاست خا ثنا نه سازش با آمریکا را تعجب خواهد نمود.

ملاحظات کوتاه

منی که یک پیر مرد ضعیف هست صحبت بکنم برای شما آقای فلسفی هم که پیر مرد قوی ان شاء الله هستند ایشان هم برای شما صحبت بکنند...

آیا اینکه آیت الله خمینی فلسفی را به عنوان بزرگترین خطیب و در رأس منبرهای حاضر در جلسه در کنار خود منی نشاند و از او به خوبی یاد میکنند "قبایم کردن" و "مدوراً انقلاب و سخنرانی" - های فلسفی را در کنار هم دور پیوند با هم می بینند، تصادفی است؟

دست بد امن فتود اله علیه چپ!

از لحظه ای که معلوم شد ریگان به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شده، دستگاههای تبلیغاتی رژیم چپان از عدم انتخاب کارتر سخن میگویند که گوشتی کارتر را رژیم ایران "از کار برکنار" کرده و مثلاً فرشته ای را بجای "شیطان" نشانداده اند. سیاست دروغ و فریب نه اصول و پرنسیپ می شناسد و نه حافظه دارد. یکی از این آقایان سراپا مکتبی و اسلامی و مبارز با آمریکا جواب نمیدهد که آخر چرا قضیه با دگرده گروگانها را با چنین عجله ای سرهم بندی کردند و مگر نه برای این بود که بتوانند پیش از انتخاب کارتر آمریکا با گرفتن امتیازی هر چند جزئی، آبروشی برای خود دست و پا کنند؟ مگر یکبار در روزنامه ها (حتی جمهوری اسلامی) سخن از عقل و منطق و خودداری از جبر و مطرَح نشد؟ و مگر مجلس شورای اسلامی و گلهای سرسبد جمهوری اسلامی (مثل شیخ محمد منتظری) کارتر را بر ریگان ترجیح ندادند و مگر همین فردا خبر با صهیونیست خواندن ریگان، کارگر را نظیر نکرد؟ آیا رژیم ایران با موضع گیری اش در قبال گروگانها خدمتی به کارتر ننمود و در واقع به او رای نداد؟ آقایان چرا قضیه "کارت زرد برادر شغال" است؟ آگاهانه فهمیده اند عموماً پیش از انتخابات فرا موش کرده بودند؟ "سیاست ضد امپریالیستی رژیم" به گریه مرتضی علی میماند که هر مملکتی بر بنیاد ریحها درست و پای "ضد امپریالیستی" فرود میاید!

انتخاب نشدن کارتر و سیاست "گره مرتضی علی"

یادمان هست که میگفتند در "مجلس شورای اسلامی" نمایندگان و ائمه "مردم" جمع شده اند اگر هنوز باور نکرده اید از آقای "علم الهدای" نماینده اردبیل بشنوید که روز شنبه ۲۹ مهر در مجلس با ناراحتی ابراز کرده است که چرا فتودالها را از دولت و جمهوری اسلامی رنجانده - اید و اذافه کرده است که حضرت ایشان بعضی از بقیه در صفحه ۱۹

برای اینست که بگوشتند این اهرم سیاسی قدرت را نیز از دست لیبرالها خارج سازند. لیبرالها که تا کنون این ابزار مهم در دستشان با قسی مانده است، میگوشتند آنرا همچنان برای خود حفظ کنند و دلیل شکست ها را ندانند که ریاها و عدم تخصص جناح مقابل جلوه گر سازند. تضاد در این قسمت آنچنان حادث است که اگر رتشیش از آموزش سپاه پاسداران در مورد سلاحهای سنگین سر باز زده است، تا همچنان نقش اساسی را در جنگ "کلاسیک" غیرعا دلانه کنونی بازی کند. بهر صورت در مقابل تلاش بنی مدربر برای تحکیم قدرت بخاطر جنگ کنونی و احتیاج شدید رژیم به ارتش، حزب جمهوری اسلامی نیز دست به تهاجم زده و به تضعیف جناح مقابل پرداخته است.

(۱) - مرا جمعه کنید به مطلب "جنگ قدرت بر سر تلویزیون بالا میگردد" در همین شماره

متمم و مباحث رزیز تشبیهات هر دو جناح بر سر اعمال حاکمیت بر سیاست تبلیغاتی کشور و دستگاه رادیو و تلویزیون که درز مینه سازی افکار عمومی نقش اساسی دارد، افشاگریهای صورت میگیرد. در مقابل این وضع بنی مدرم عکس - العمل نشان داده و حاضریه مقام حبه با تلویزیون نمیشود. شب جمعه گذشته، شبکه دوم تلویزیون با پخش مناظره ای با "قطب زاده" و "میلنی اسلامی" حول مسائل مربوط به رادیو و تلویزیون بر این دعوی بین جناحها سنگ تمام میگذازد. روز جمعه - صادق قطب زاده به حکم دسرای مرکز دسنگیروو به زندان اوین منتقل شده و میلنی اسلامی نیز تحت تعقیب قرار میگیرد. همزمان با این وقایع "موسوی اردبیلی" دادستان کل دو تحت - الاسلام "بنامهای" علی اکبر محتشمی و "عبدالله - نوری" را به سرپرستی صدا و سیما و شخصی بنام دکتر ندیمی را به سرپرستی شبکه دوم تلویزیون انتصاب میکند.

آنچه که از قرائن سرعیا بداین است که مجموعه این تحولات تا کنون به نفع حزب جمهوری اسلامی تمام نموده است. با کترلی که حزب ارتجاعی و "فراگیر" جمهوری اسلامی بر مجلس و دیگر ارگانهای مملکتی دارد، با تصویب "لابحه" مربوط به تلویزیون، و اداره تلویزیون به کلی از دست جناح بنی صدر خارج خواهد شد و درگیری دو جناح شدت بیشتری خواهد یافت. ارتجاع نیک میدانند که برای تخدیر افکار رتوده ها باید نبض دستگاههای تبلیغاتی را بدست گرفت و اگر نتوانستند با "میثاق وحدت" این شریکان تبلیغاتی را خفه کنند، با یکی از دست یازیدن به ۳۰ و پاسداران و زندان نیز بر علیه همدیگر ندارند!

★ ★ ★



بقیه از صفحه ۲۶ جنگ

حادثاتی این تصادها را با بیستسی در ارتباط با مسئله منحص دانست.

۱- مسئله انتخاب وزرای باقی مانده و بخصوص وزیر امور خارجه، بنی صدر تا کنون از تصویب وزرای معرفی شده از سوی حزب جمهوری سر باز زده است. این مسئله بخصوص در مورد وزارت خارجه تا اهمیت است. حزب جمهوری خواهان تعیین سیاست خارجی است و اینهمه از آن مواردی است که اختلاف بارزی میان لیبرالها و حزب جمهوری وجود دارد.

۲- اختلاف بر سر نقش ارتش و نیز شکست جنگ را بگردن یکدیگر انداختن.

بنی صدر و حزب جمهوری هریک میگوشتند، دلیل شکستهای جنگ را بگردن یکدیگر میاندازند تا یکدیگر را بیخیانت فرماندهان ارتش و تلاش برای ایجاد ارتش توحیدی (نطق معادخواه)

بقیه از صفحه ۲۶ هیئت...

مهم تبلیغاتی است. در روزهای اخیر درگیری بر سر تمام حزب رادیو و تلویزیون بین دو جناح "حزبی" و "بنی صدر" آنچنان بالا گرفته است که کار را به "فصلت تیر کشی" نیز کشانده است.

به تاریخ ۲۴ مهر، از طرف خرازی رئیس تبلیغات شورای دفاع، دو نفر از مدیران حزبی برکنار شده توسط میلنی اسلامی قاشم مقام رادیو و تلویزیون (که از جناح بنی صدر است) به مسئولیتها در "واحد تبلیغات تلویزیونی" گمارده میشوند. در تاریخ ۳۰ مهر، نامه ای به امضای هاشمی رفسنجانی و رجایی (از طرف شورای عالی دفاع) که از مجلس را دارد از میلنی - اسلامی میخواهد که کلیه تمهیدات در زمینه اخراج و استخدام پس از اول مهر مملکتی اعلام شود. بنی مدرنیز طی نامه ای در پاسخ به میلنی اسلامی اطلاع میدهد که نامه مذکور از طرف شورای عالی دفاع و با تأیید رئیس شورای نبوده است. در سوم آبانماه، گلمکانی یکی از مدیران انتصابی از سوی میلنی اسلامی، توسط عوامل حزب جمهوری اسلامی کتان کتان از محل کارش به طرف در خروجی برده شده و اخراج میشود و درگیریهایی را در محل رادیو و تلویزیون سبب میگردد. در تاریخ ۲۷ آبانماه، پاسداران به متفرق در جلوی در ورودی تلویزیون، از ورود میلنی و دو مدیر انتصابی اش به محوطه رادیو و تلویزیون جلوگیری می نمایند و در اثر مقاومت آنها چند تیر هوشی شلیک میکنند. با صدای تیر اندازی، کارمندان به پناهن میریزند که با مدخل آنها سرانجام میلنی و دو مدیر مذکور موفق میشوند و در ساختمان شونده در این جریان عکس العمل های مختلفی از طرف کارکنان صورت میگیرد. اغلب آنها جانب لیبرالها را میگیرند. افراد انجمن اسلامی و طرفداران حزب سعی میکنند قضیه را بالا نگیرند و عواماً سلطنت طلب و بختاری نیز موقعیتی برای تبلیغ اوضاع گذشته می یابند. از طرف کارکنان

دادگاههای اداری چماق سرکوب کارکنان مبارز

طبق این دستورا ز این بین "دادگاههای اداری" برای رسیدگی به "تخلّف" معلمان فعال تر خواهند شد. با افشای کمیته‌های "پاکسازی" و عملکردهای ارتجاعی آنان "نخست وزیرمکتبی" صورت "آبرومندان" تری به سرکوب معلمان مبارزمیدهد، ولی این چماقهای سرکوب کوچک - ترین تردیدی در ادا مراه معلمان انقلابی و آگاه به وجود نخواهد آورد.

پس از اخراج هزاران معلم متعهد و مبارز و اعتراض گسترده کارکنان وزارت آموزش و پرورش ارتجاع شیوه خود را برای سرکوب معلمان آگاه و متعهد تغییر میدهد. محمدعلی رجایی مرتجع طی بخشنامه محرمانه‌ای در اول آبان ماه (به شماره ۲۰۹۲) از مسئولین خواسته که "ممنوعیت تدریس" و "پاکسازی" و اخراج معلمان را بدون مشورت با "شگرد مخفی" متوقف سازند.

غارت از آن سرمایه داران، شلاق نصیب زحمتکشان

بوجود آورده اندرفع نمایند. روستا ثیسان زحمتکش دست به مبارزه زدند و فرما ندا را که به منظور رفته بود و گروگان میگیرند. "کمیته گیلان" سازمان ضمن افشای سیاستهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در مورد زحمتکشان و جنگ تحمیلی که عواقب آن فقط متوجه زحمتکشان میشود از مبارزات زحمتکشان گوراب زیرمخ پشتیبانی کرده و محتکران واقعی را که سرمایه داران مورد پشتیبانی رژیم هستند افشا میکند.

در مهرماه جاری "گروه غربت" صومعه را به روستاهای "گوراب زیرمخ" یورش برده و با زیرورو کردن خانه‌های روستا ثیسان زحمتکش، هشت و نیست آنها را بیرون میکشند و آنان را با جرم "احتکار" شلاق میزنند. به این جرم که جای یک یا دو کیسه سیمان در خانه‌شان بوده است. روستا ثیسان دست بدامن کلیه مقامات محلی از امام جمعه تا فرماندار میشوند، ولی طبیعی است که در قمار ارتجاع نیست که بتواند و بخواهد مشکلاتی را که خود برای زحمتکشان

ارتجاع چهره عوض میکند

۲۳ مهرماه در سالگرد کشتار صیادان و مردم زحمتکش انزلی بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، رژیم برای فریب توده‌ها با بسیج گروهی از دانش آموزان آگاه و برای شهیدان به اصطلاح مراسم یادبود ترتیب داد و اوانک تمساح ریخت. رژیم جمهوری اسلامی گمان میکند با این عوا مغربیه‌ها میتواند توده‌ها را فریب دهد و ما هیت ارتجاعی خود را از آنان پنهان دارد. پیرزنی که شا هد "مراسم بود میگفت: "همین‌ها، فرزندان ما را با رمال کشتند و امسال برایشان مراسم برپا کرده‌اند". راننده زحمتکشی میگفت: "پارمال اینها زحمتکشان را در انزلی کشتند و امسال در جنگ، ولی بالاخره نوبت ما هم میرسد." آری نوبت زحمتکشان هم خواهد رسید که بحساب جنایات و خیانت‌های برما به داران و مرتجعین برسند. (تخلص از اعلامیه هواداران سازمان در انزلی)

رژیم، بواسطه افشای گریهای نیروهای کمونیست و انقلابی از چشم توده‌ها پنهان نمانده و نخواهد ماند. این اقدامات توطئه گرانگه کنونی رژیم با ردیگرشان میدهد که برخلاف نظر مجاهدین - اتحادیه‌ها گونه سیاست سازشکارانه و مماشات - جویا نه در مقابل رژیم، بهیچوجه تشدید حملات ارتجاع حاکم را منتفی نمیشد. افشا و طعنه سیاستهای سازشکارانه و مماشات جویا نه وظیفه تمام کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی و از جمله توده‌های انقلابی هوادار مجاهدین است. مجاهدین خلق میبایست با ردیگر گرفتن خط - مشی انقلابی و سازشنا پذیریه مقابل توطئه - های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی سرخیزند.

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی ضمن محکوم ساختن توطئه‌ها و عوا مغربیه‌ها فرصت طلبانه رژیم جمهوری اسلامی از محاکمه سعادتی خواهان آزادی فوری مجاهد محمدرفا سعادتی هستیم.

بقیه از صفحه ۲۶ محاکمه...

ارتجاع حاکم طی دوسال حاکمیت، بنا به شیوه رایج خود، همواره در پی فرصت مناسب جهت سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی بوده است. لشکرکشی مجدد به کردستان و کشتار در دانشگاهها همزمان با مجرای طیس، کشتار کارگران و بیکاران در ماهشهر و دورود و... و محاکمه و اعدام رفیق تقی - شهرام همزمان با کشف کودتای نظامی از جمله شگردهای عوا مغربیه نه رژیم در سرکوب انقلاب بودند. اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی میکوشد با استفاده از موقعیتی که جنگ با عراق در جاده ما بوجود آورده، حملات خود را به نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها تشدید کند. کشتار در مها با دود بگوشه‌های کردستان، اعدام به نغرا ز رفقای پیکا رگرما در خوزستان، دستگیری و شکنجه انقلابیون در شهرهای مختلف ایران، همه از تعرض گسترده رژیم به انقلاب حکایت میکنند. محاکمه سعادتی بعد از یکسال و اندی، انهم بدنبال اعلام ممنوعیت کامل نشریات سازمان مجاهدین، گام دیگری در جهت تشدید خفقان و ایجاد جو خفقان و سرکوب علیه نیروهای انقلابی و کمونیست‌هاست.

آزاد ساختن گروگانها از جمله اقداماتی است که رژیم تحت الشما جنگ ایران و عراق بدنبال اجرای آن است. رژیم اینکار را به راحتی نمیتواند انجام دهد، مگر آنکه از افشای گریهای نیروهای انقلابی و بسیج کمونیست‌ها جلوگیری نماید. ممنوعیت نشریات سازمان مجاهدین خلق از طرف رژیم نیز در جهت خلع سلاح تبلیغاتی این سازمان و جلوگیری از افشای گریهای آن در مورد آزاد ساختن گروگانها و محاکمه سعادتی صورت میگیرد.

ما در مقابل حملات ارتجاع حاکم بنا به وظایف انقلابی و کمونیستی خود از مجاهدین خلق دفاع میکنیم و دفاع ما از سازمان مجاهدین هرگز به معنای ناکید شدن این سازمان بر اساس روسها تحت عنوان ایجاد مناسبات بین المللی نیست. ما با این دیدگاه انحرافی مجاهدین که سوسیال امپریالیسم روس را "دوست خلقهای ایران" ارزیابی میکند، مرز بندی قاطعی داریم. اما آنچه در این میان مهم است استفاده عوا مغربیه نه رژیم جمهوری از این مسئله برای سرکوب انقلاب و لجن پراکنی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست‌هاست.

تلاش رژیم برای تخطئه ما هیت انقلابی نیروهای انقلابی، تیری است که به سنگ خواهد خورد. چه رژیم بعثت نیا ز مبرم به اسلحه‌های آمریکایی برای استفاده در جنگ ارتجاعی کنونی و همچنین بعثت تشدید بحران اقتصادی ناشی از جنگ و شرایط قبل از جنگ، موجودیت خود را در خطر دیده و با سرکوب نیروهای انقلابی که ناشی از کینه طبقاتی اوست میخواهد بر ا حتی گروگانها را داسا خنده و با آنگاه به کمکهای مالی و تحتانی امپریالیسم آمریکا خود را از بحران کنونی نجات دهد. اما این سیاستهای

بقیه از صفحه ۱۷ مصاحبه...

به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم شاه و حاکموند داشته و اعتقاد به آن هم ضرورتی ندارد، ولی در برابر نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم با بد قاطعانه و مسلحانه ایستادگی نمود. هم اینجا و هم آنجا قانئون مبارزه طبقاتی عمل کرده است، آنجا مبارزه مساومت میزد در برابر رژیم شاه و اینجا با گلوله در برابر نیروهای انقلابی و زحمتکشان!

ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۱۸ ملاحظات...

فئودالها را میشناسد که میتواند ۲ هزار نفر جمع کند و مسلح نماید آنها علیه کمونیست - ها بجنگند! (به انقلاب اسلامی مورخه ۳۰ مهر رجوع کنید) آبا معلوم شد که این آقا بان نه نماینده زحمتکشان بلکه نماینده ملاکین، سرمایه داران و دیگر مرتجعین هستند؟ و آبا معلوم شد که کمونیست‌ها در کدام صف قرار دارند؟

بقیه از صفحه ۲۶ شرایط...

راه پشتیبانی کرده با شیم. مجلس شورا میخواست
امپریا لیسیم را مانند گریه عا سده توده ها معرفی
کند و قول و قرار امپریا لیسیم را بعنوان بیروزی
خود به تار وود.

بهمین خاطر هم هست که دیگر سخن ازنا بودی
امپریا لیسیم. محاکمه امپریا لیسیم بیژا نسودر
آوردن امپریا لیسیم نیست. فقط جمهوری اسلامی
عاجزانه از امپریا لیسیم آن قولی را طلب میکند
که ده سال است. امپریا لیسیم آنرا داده و هرگز
هم اجرا نکرده است. این قول، آنست که از تیسر
درنده جنگل قول بگیریم که ندرد! امپریا لیسیم
بدون تحت سلطه و آوردن خلقهای دیگری -
شوا ندا امپریا لیسیم باشد.

قول و قرارهای دوم سوم هم که تنوعی از
گروگان نگیری بود. امپریا لیسیم آمریکا در مقابل
جمهوری اسلامی، متنا بالا ۱۴ میلیارد دلار
موجود در بانکهای امپریا لیسیم (که رژیم بسیار
انقلابی ایران!! در ده های اخیر از قیام هم -
چنان آنها را برای استفاده امپریا لیسیم در
آنجا باقی گذاشته بود.) را گروگان گرفته و به
تحریم اقتصادی نیز میادرت ورزیده بود. طبیعا
ما ده دوسوم نه تنها بیروزی برای امپریا لیسیم
آمریکا نیست، بلکه ما به سواشی بیشتر رژیم
جمهوری اسلامی است. (در حقیقت در ماده دوم
سوم جمهوری اسلامی میخواستند ورا بدل مالسی و
اقتصادی را به پیش از ۱۳ آبان ۵۸ برگردانند)
در مورد آخرین ماده، نیز سواشی رژیم عیسایان
است. آنها در حالیکه با قرار دادهای اقتصادی
سیاسی و نظامی علی قیل از گروگان نگیری و
غیرعلنی پس از گروگان نگیری میلیاردها دلار
از غارت زحمتکشان ایران را به حبس امپریا لیسیم
ربخته و اکنون نیز از امپریا لیسیم عاجزانه
درخواست میکنند به تحریم اقتصادی پایان دهد
تا بازاری سیستم سرمایه داری وابسته هر چه
کا ملتر شود، میگوشتند دعا بر سر اموال شاه را
مبارزه قطعی با امپریا لیسیم و با بودی امپریا لیسیم
جا برزند و تا زه در آنجا همدستان روم میشوند،
ما ده چهارم چنین است:

"باز پس دادن اموال شاه معذوم با برسمیت
شناختن و تافذ دانستن اقدام دربار ایران در
اعمال حاکمیت خود یعنی بر ممالک اموال شاه
معذوم و..." (میران ۱۲ آبان)
این "یا" کارا خراب کرده است! حتی
در این تنها برگ "برنده" رژیم جمهوری اسلامی
نیز مردم غروس عیان میشود. کافی است
امپریا لیسیم اقدام رژیم جمهوری اسلامی را در
مورد "حاکمیت خود" به برسمیت بشناسد! امپریا لیسیم
آمریکا در فریبنا مه های بین المللی که موسوم
به قرار دادهای دیپلماتیک است، همواره اعمال
حاکمیت همه کشورها را برسمیت شناخته است،
بجز مواردی که این اعمال حاکمیت با قوانین

کشور دیگری در تضاد افتد کار تر حنا بتکا رد را این
مورد گفته بود که طرح دعوی جمهوری اسلامی
تو این مورد را برسمیت شناخته و برای اثبات
حقانیت آن بایستی دادگاههای آمریکا، نظریه دهند.

به علاوه رژیم جمهوری اسلامی، به توجز بونا نه
و فریبکارانه ای از ادعاهای پیشین خود مبنی
بر بازگرداندن جوابیهای آواکس از ریستان،
مجا کمه جا بوسان، عذر خواهی و توبه امپریا لیسیم،
اختصاصی به شانت و انت تلویزیون آمریکا برای
تبلیغات رژیم... دست برداشته است. به خاطر
آوردن، جا روجا لهای همه جناحهای رژیم را
مبئی بر دهم شکستن امپریا لیسیم آمریکا،
واخفا که امپریا لیسیم در هم شکست!

والبت و فاقا حت آنست که رژیم بر سرای
بو شاندن بندوبست خود با امپریا لیسیم و پس
گرفتن همه تبلیغات پیشین خود، از فریب توده
- ها روی سرنمی گرداند. آیت الله خمینی برای
اینکه توده ها نفهمند، رژیم پیکال آنها را فریب
داده و دوغ را دوشاب معرفی کرده بود! دعسا
نکند که: بنوط جمهوری اسلامی آن بت بزرگی
که برای ملتها تراشیده بودند، شکسته شد. نقل
بمعنی از (میران ۱۳ آبان).

آن بت بزرگ را خلقهای قهرمان و پنهان،
کا مپوج، گره، لائوس و... با نبرد مسلحانه شان
تحت رهبری کمونیستها در هم شکستند. آن بت
بزرگ را خلقهای قهرمان ما با فیا م خود مورد
ضربات سنگینی قرار دادند، اما همین هبات
حا کمه مانع ازنا بودی آن گردید. آری کمونیست
- های ایران و جهان سالهاست که این "بیر
کا فدی" را به توده ها معرفی کرده اند. گروگان
گرفتن ۵۲ جاسوس برای فریب مردم و سپس نندو
بست با امپریا لیسیم و آزادی جاسوسها، این بت
را نمی شکند. نبرد قاطع طبقه کارگر و دیگ
زحمتکش برای محوسر مایه داری وابسته و
رژیم حامی آن، این بت را در هم میکند. فریب -
کاری تا بجا است که گدائی اسلحه از
امپریا لیسیم و به از قرار دادهای اسارتبار آن
تن دادن، روابط اقتصادی ویدنیالشی حتما
سیاسی را توسعه دادن و با ظران جاسوسها را آزاد کردن،
در فرهنگ جمهوری اسلامی شکستن بت تلقی میشود!
حال که تمامی خواستهای حقیر رژیم از
امپریا لیسیم، نشاندن ده واج مبارزه با مصلاح
فدا امپریا لیسیتی اوست، توده ها خواهند گفت:
ما ببرد با امپریا لیسیم و با بودی هر گوشه سلطه
سیاسی و اقتصادی را میشناسیم، ولی شما می -
خواهید نلات برای رفع تحریم اقتصادی ویا قول
گرفتن از امپریا لیسیم که در امور ایران دخالت
نکند، مبارزه مدا امپریا لیسیتی جا برنید!

توده های انقلابی میگویند: ما نا بسودی
امپریا لیسیم را طلب میگردیم، ولی شما گرفتن
سلاح از امپریا لیسیم (که خلقا لی بخوسی آنرا در
مواجهه با رادیسو شلد لوداد، کیهان ۸ آبان) و ادامه

معاملات اقتصادی را مبارزه فدا امپریا لیسیتی جا میزنید!
شما وقتی جا سوسها را گرفتید، عریده کشیدید
که تا نا بودی "شیطان بزرگ" سازش نخواهید
کرد، اما اکنون پس از یکسال فریب توده ها،
رجا شتی نخست وزیر "فدا امپریا لیسیتان را به
شورای امنیت میفرستید تا با تطهیر امپریا لیسیم
آمریکا و نمیدوستانیش از آن، مقدمات ماه غسل
خود را با آمریکا تدارک ببینید. و اکنون توده -
های انقلابی میهن در خوا هندیافت که آنجه
ما همواره گفته ایم صحت داشته است. گروگانگیری
نندیر مبنای مبارزه با امپریا لیسیم، بلکه برای
تصفیه جناحهای جناحهای مختلف رژیم از یکسو
و فریب توده های زحمتکش از سوی دیگر بوده است
حزب جمهوری اسلامی (با ابتکار خرد بورژوازی
مرفه سنتی) برای تحکیم وضعیتش در قسسال
لیبرالها و نیز بخصوس منحرف کردن مبارزات
توده ها از نبرد واقعی علیه امپریا لیسیم، یعنی
مبارزه برای نابودی سرمایه داری وابسته و
قدرت سیاسی حامی آن و متوهم تر کردن آنان
نسبت به حاکمیت خویش، دست به این عمل زدند.
گذشته از رویزیونیستها، آن نیروهای
کمونیست تا پیگیر که در ذهن خویش آنچنان
"فدا امپریا لیسیتی" میان حزب جمهوری
اسلامی و آمریکا یافته بودند که جنگ ایران و
عراق را نیز تلاش امپریا لیسیم برای سرنگونی
جمهوری اسلامی (و حتی سنی مدر لیبرال!) می -
دانستند، اکنون در قبال توده های انقلابی
با بدیا سخ گویند. آن انحراف رویزیونیستی که
درکی تا درست نسبت به مبارزه علیه امپریا لیسیم
را تبلیغ کرده و گروگان نگیری را بدون تشریح
سیاستهای رژیم از آن دارونیست شیری که
بر جنبش توده ها میگذارد (وبا متوهم تر کردن
توده ها از نابودی قطعی امپریا لیسیم جلو
میگیرد) عملی فدا امپریا لیسیتی جلوه میدهد،
اکنون بیش از پیش با یستی افشا شود. و
کمونیستها میبایستی به توده ها بگویند که
مبارزه واقعی علیه امپریا لیسیم، یعنی نابودی سرمایه
- داری وابسته و در هم کوبیدن ارتش و دولت حامی آن،
کمونیستها موظفند نندو توده ها، اما می -
تلیفات دروغین رژیم را افشا کرده و نشان دهند
که جز فریب، جز استنما ربا زهم بیشتر زیر سلطه
سرمایه داری وابسته از این مبارزه -
امپریا لیسیتی نصیبی نبرده اند و در عوض رژیم
کوشیده است با استفاده از این جریان، با به -
های ستم طبقاتی را بیشتر تحکیم بخشد.
رژیم البته خوا هد کوشید، فضا حت آزادی
گروگانها را نیز بیروزی جلوه گر سازد، اما
با یستی اهداف رژیم از گروگان نگیری و همچنین
آزادی گروگانها (یعنی کوشش برای نزدیکی
بیشتر به امپریا لیسیم) را هر چه بیشتر افشا
سازیم. هیچ چیز به اندازه دانستن این حقایق
در در هم شکستن توهم توده ها نمیتواند موثر باشد.

توطئه های امپریا لیسیم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

زندگینامه یک کمونیست، پیکارگر شهید، رفیق منوچهر نیک اندام

نام: منوچهر
تاریخ تولد: ۱۳۳۵
شغل: معلم
محل تولد: آغا جاری
شماره شناسنامه: ۵۵۴
متاهل و دارای دو فرزند بهرنگ (۲ ساله) و شراره (۶ ماهه)
ایدئولوژی: مارکسیست - لنینیست و از مسئولین تشکیلات سازمان بهار آزادی طبقه کارگر و آغا جاری.
دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹
مهاکمه: بهدادگاه صحرایی خلخال جلا د
تیرباران: سحرگاه سوم آبان ۵۹ در میان کوه آغا جاری
جرم: وفاداری به زحمتکشان

که مغز و یکطرف سرش متلاشی شده بود. ارتجاع می اندیشید متواتر ندا قطع سرو سرفرازی چون منوچهر، جنگل سرسبز انقلاب را که پراز سروهایی دیگر است قطع کند، اما میباید میاندیشید، دیر نیست تاز زحمتکشان میباید انتقام خون شهیدانشان را از ارتجاع و امپریالیسم بگیرند.

اندام کنند، اما با ساداران ارتجاع با زور و با قنداق تنگ آبان را از آنجا خارج کردند و سحرگاه سوم آبان رفیق منوچهر را تیرباران کردند. وضعیت اجساد شهیدانشان میداد کدبها کینه زاندا لوصفی تیرباران شده بودند، تیرباران های اول شهید شده در خاک غلطیده بودند. تیر خلاص رفیق منوچهر را از خرطوری زده بودند

پیامی برای عزیزانمان بهرنگ، مهرنوش، شراره

آبان را دشمنان طبقه کارگر گشتند، رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ منافع امپریالیسم و استعمار و غارت زحمتکشان این شعله های پر فروغ آگاهی را خاموش کرد، تا شاید به خیال باطل خود مانع آگاهی توده ها شود، اما عزیزان! هرگز برچرخ مبارزات انقلابی بر زمین نیفتاده است و بامرک هر شهید، انقلابیون دیگری این پرچم را بردوش گرفته اند. آری پدرانمان را جمهوری اسلامی این حکومت سرما یه داران و این حافظان منافع امپریالیسم گشتند، پدرانمان از این سیستم پوسیده و ارتجاعی متنفر بودند، شما نیز با کینه بزرگ خوا هید شد، با کینه نسبت به قاتلان پدرانمان، اما این سیستم پوسیده تنها پدران شما را کشته است.

ارتجاع و امپریالیسم هزاران کودک کرد را بی بدر کرده است، دهها کارگر بیکار را در نظرها حق طلبان شان به شهادت رسانده است و دهها دانشجوی انقلابی را شهید کرده است... آری شما بزرگ خوا هید شد، اما با کینه ای بزرگ نسبت به ارتجاع و امپریالیسم، شما وقتی بزرگتر شدید، خوا هید فهمید که این کینه ناپاکی تنها بخاطر زدن داند پدرانمان باشد، بلکه با بدخاطر آنهمه جنایتی باشد که قرنهای استبداد استعمار کننده بر زحمتکشان و رنجبران وارد کرده اند. شما بزرگ خوا هید شد و به پدرانمان افتخار خوا هید کرد، چرا که آنها جز بهرین انسانهای بودند که در تاریخ پیدا میشوند. وقتی بزرگتر شدید، بهتر درک خوا هید کرد که چرا کمونیستها اینقدر شجاع، نداد کار رود راه

عزیزان کوچکمان! شما هنوز خیلی کوچک هستید که شهیدان بدرهای قهرمانان را درک کنید و بیامارای نیز اکنون خوب درخوا هید یافت، اما ما این پیام را برای شما و همه عزیزان دیگری که ارتجاع و امپریالیسم در همان کودکی، شرنگ درکشان ریخته است، تقدیم میکنیم. وقتی بزرگتر شدید، حتما این پیام را بخوبی درک خوا هید کرد.

اول از پدرانمان بگوئیم: آنها انسانهای جدیدی بودند، انسانهایی که ما آنها را انسان طراز نوین، انسان لنینیست، انسان کمونیست میخوانیم، حتما ما دران دلاور تان و دیگر اقوام از غلظتها پاک و حماسه های آنها برای شما خوا هید گفت و شما نیز حتما آبان را سرمشق قرار خوا هید داد.

زندگی پدرانمان، وقف مبارزه برای زحمتکشان شد، ما کمونیستها معتقدیم که روزی زحمتکشان بر سرشوند خود را کم میشوند و سرما یه داری، فقر، ظلم و تیرباران انقلابیون و حفظان و سرکوب برای کارگران را خاتمه خوا هید بخشید. پدرانمان، از بنا کنندگان جامعه سرخ و سرمای فردا بودند و خوشان را بر روی پرچم کمونیستها ریختند. برجمی سرخ با داس و جکش و ستاره ای که وقتی بزرگ شدید، شما نیز وظیفه دارید آنرا بدوش بگیرید و به پیش سوی فردا بروید.

(۳) - بهرنگ (۲ ساله) و شراره (۶ ماهه)
فرزندان بیکارگر شهید منوچهر نیک اندام و مهرنوش (۱/۵ ساله) فرزند بیکارگر شهید محمد اشرفی است.

منوچهر در یک خانواده کارگری بزرگ شد. پدرش کارگر را زمینعت نفت بود (در کسلا سیم) اما روزی شفاشی آشنا شد و میخواست به عنوان یک کارگر کار کند، اما تحت فشار خانواده اموزگار شد. بوسه مسجد سلیمان رفت. در آنجا بود که مارکسیسم - لنینیسم را به عنوان ایدئولوژی راجا با زنده طبقه کارگر پذیرفت. مبارزه انقلابی و "معدن" را رفیق موجب شد که توسط سبواک دستگیر و تحت شکنجه قرار گیرد. اما صیقل نبود مدرک و با زحمتی مناسب رفیق آزاد شد. آری در دست رژیم شاهان خلخال بافت تا سیزده دوران جمهوری اسلامی شهیدش کنند. در مسجد سلیمان ردهات آغا جاری با زحمتکشان و دانش آموزان خود پیوندی انقلابی برقرار ساخت. دانش آموزان منوچهر، همواره با دارا به عنوان یک انسان انقلابی که معلم سبواکه طبقه را به انسان آموخت، یادخوا هند! انت و غلظتها و انقلابی را سرمشق خوا هید کرد. رفیق منوچهر فعلا لانه در سال ۵۷ برای سرنگونی رژیم شاهان شرکت کرد. در همین هنگام (یعنی قبل از قیام میهن ۵۷) نظرات سازمان بیکار را پذیرفت و از آن پس در این سرگولبه کارگر به مبارزه با دشمنان خود ادامه داد.

پس از قیام او در مبارزه با رژیم مبارزات معلمین برای شبیه میکن فعلا لانه شرکت کرد. او در عداوت اعتمادات و تحصنها ی معلمین تا اینجا دشواری معلمین بخش بارزی ایفا کرد. جمهوری اسلامی که از مبارزات رفیق و اقدامات آگاهانه اش میبهره مید. هر روز او را به یک جای دیگر منتقل میکرد و عاقبت نیز او را به لیست پاکسازی قرار داد. رفیق دارای همسر و دو فرزند (بهرنگ و شراره) بود. رفیق که به عنوان یک کمونیست با دشمنان پذیر معروف شده بود، همواره چون غاری در چشم ارتجاع بود و ارتجاع بدشال فرصتی بود تا رفیقان را از خلقت جدا سازد. بخشی اعلامیه سازمان بیکار در مورد جنگ در آغا جاری بهای شده ای شد که رفقای شاخه شده دستگیر کردند. رفیق علیرغم تگنجه های جسمی و روحی فراوان در زندان و دادگاه، قهرمانانه از آلمان سرخ دفاع کرد. همسر رفیق پس از دیدن همسرش در شب تیرباران شریف کرده بود:

"اگر منوچهر و محمد زنده بودند... من نتوانستم فوراً شوهر را بشناسم. از او پرسیدم تا تو جا ر کرده اند. گفت پس از شش ماه که شدم و بدون با زحمتی به عدا ام محکوم شدم، با ساداری که در آنجا بود گفت: خبر از عدا م خبری نیست. منوچهر گفت به حرف او گوش نکن. خوشبخت و محکم باش دشمن به ما کینه دارد و در زحمتخوا هید کرد، ما هم نباید به او رحم کنیم، مبارزه طبقه استی یعنی بی رحمی نسبت به دشمن."

همسران رفقا، منوچهر و محمد پس از این ملاقات میگویند که چاه به ترک بهدادگاه سیستند، با بد آنها را نیز همراه شوهرانشان

زندگینامه يك كمونیست: پیکارگر شهید رفیق محمد اشرفی

نام: محمد علی **شهرت: اشرفی**
تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۷/۱ **محل تولد: آغا جاری** **شماره شناسنامه: ۴۸۶**
شغل: کارگر شرکت نفت (پتازگی کارمند شده بود) **مناهل دارای همسر و یک فرزند**
اهد قولی: مارکسیست - لنینیست و اصولین تشکیلات سازمان بهادر آرازی طبقه کارگر آغا جاری
دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹ **محاکمه: بهدادگاه صحرایی خلخال جلا**
تیرباران: صحرگاه سوم آبان ۵۹ در مانگوه آغا جاری
جرم: وفاداری به آلمان زحمتکش

این شرط جنازه ها تحویل شد که در قبرستان شهر نیا بدفن شوند. چرا که کار فرودس هستند! خانواده های محمد و منوچهر، جنازه فرزندانشان را در ده کیلومتری امیدیه در یک روستا کدویشان محمد در آنجا زندگی میکردند، دفن نمودند. آری، رژیم زحنازه شهیدان نیز میترسد...

ب. متخار بر سرخ رفیق محمد اشرفی پادش را گرامی میداریم و سوگند میخوریم که راهش را تا تحقق آلمان سوسیالیسم ادامه دهیم.

★ ★ ★

پیکارگر شهید حسین نورائی در جبهه به شهادت رسید

برادر خیمیا رهای رژیم فندخلقی عراق، رفیق حسین نورائی، پیکارگر کمونیست و آزاده ایران ما زمان به شهادت رسید. رفیق در حین شهادت مشغول انجام وظایف سازمانی بود، رفیق در طی دوران جنگ فعالانه برای افشای جنگ غیر - عادلانه کنونی فعالیت داشت. ما زندگینامه رفیق شهید را در شماره های بعدخواهیم آورد. قافله سرخ شهیدان در راه آلمان سوسیالیسم در جامعه طبقه تپا با نئی نخواهد داشت!

بقیه از صفحه ۲۴ یاد...

مورت گرفته، از مبارزات رفیق که تا آخر پس قطره خون لحظه ای دست از مبارزه علیه امپریا - لیسم و وابستگی داخلی اش نکشید و در این راه سرخ شهید شد، باید می گفتیم و آنها را گرامی میداریم. رفیق که با رها توانسته بود از جنگ پنیس فرار کند (از جمله در آبان سال ۵۴ در خیابان شیوا با مزدوران ساواک بطور مسلحانه درگیر شده و موفق به فرار شد). اما یکسال بعد در ۲۵ آبان ماه سال ۵۵ در همان خیابان در یک درگیری مسلحانه به شهادت رسید.

پادش گرامی و آرا مناش عا وید با!



خاطره پیکارگر شهید حمید را گرامی بداریم

رفیق پیکارگر حمید از رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در جنوب در جریان یک تظاهرات با ماشین پاداران شهید شد ما ضمن گرامی داشت خاطره رفیق حمید مشروح جریان شهادتش را متعاقباً به اطلاع خواهیم رساند.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

علیه شاه و امپریا لیسم آگاه و متشکل کند، اومی دید که توده ها برای یک تومان اضافه دستمزد مبارزه میکنند، طبعاً این آثار ریشتم تبلیغ کمونیستی حول این نیا ز مشخص توده ها را انجام نمیداد. و نه تنها حول نیا زهای اقتصادی بلکه نیا زهای سیاسی توده ها نیز افشای نمیکرد. او نمیکوشید که با رژیم شاه را هر هنگام که اتفاق می افتد توده ها نیا ز را در جنگی واقع را دریا بند به توده ها نشان دهد و هیچ جنا پیکار را به موقع گرفته و جلوی توده ها افشا نماید. او نمیکوشید تا توده ها را ضمن همین افشا گریها مورد آموزش قرار دهد. و بدین ترتیب نمیتوانست توده ها را ارتقاء دهد و به سراری انقلاب آمده نماید. اما مدارد.

محمد در یک خانه کارگری بدنیا آمد. تسلا کلاس ششم ابتدائی درس خواند و سپس به آموزشگاه حرفه ای شرکت نفت رفت. سپس جزئی از طبقه کارگر صنعتی ایران گشت. رفیق دارای روحی حماسی بود و تقریباً یک هشتاد و یک کیلوگرم وزن داشت. رفیق در زمان شاه دویا توسط ساواک دستگیر شد. پیکار را طراختن فیلسی از وضع زندگی زحمتکش آغا جاری و بار دیگر در ارتباط با دستگیری یکی از رفیقانش اما پس از مدتی در هردویا ساواک وی را آزاد کرد. چرا که لب اسرارگویش آنچنان بسته بود که رژیم شاه خاش بی به نحوه مبارزات رفیق نبود. در سال ۵۷ هنگام مبرده علیه رژیم شاه فعالانه در اعتصاب کارگران شرکت نفت شرکت کرد و از سازماندهندگان این اعتصاب حماسی بوده او در میان کارگران دارای وجهه و پایه وسیعی بود و با آنکه کارگران از کمونیست بودن او مطلع بودند، او را به عضویت شورای مرکزی انتخاب کرده بودند.

رفیق محمد نیز مانند منوچهر از فعالان تشکیلات پیکار در آغا جاری بود و هر دوی آنها چه در هنگام انتخابات مجلس و چه در هنگام خیزش فعالان شرکت داشتند. مردم "سرکوره ها" (۵ کیلومتری ماهشهر) رفیق را حتماً به یاد دارند که چگونه فعالان در هنگام سیل بیساری زحمتکش آمده بود (در جریان سیل رفیق محمد مسئول چادر امدا سازمان پیکار در سرکوره ها و رفیق منوچهر مسئول ارتباطات امدا دی بود). رفیق محمد در یورش ارتجاع به هواداران سازمان در ۲۹ و ۳۰ مهر، دستگیر شد. این دستگیری در

آلمان سرخ طبقه کارگر را نیا ز او خود گذشته اند. شما بزرگ خواهید شد و حتماً راه پدرانانتان را خواهید پیمود. این تنها راهی است که به نایبودی ستم طبقاتی و رنج زحمتکش جهان ختم خواهد شد. فردا شما برای نایبودی طبقاتی باید مبارزه کنید که پدران شما و بیساری از پدران فرزندان دیگر را در جبهه رگوشه جهان به شهادت رسانده اند.

اگر چه غم زدست دادن پدرانانتان آنهم در این سن کودکی بسیار سخت است، اما عزیزان باید همیشه سرها پتان را افراشته بگیرید و با افتخار به میگوئید فرزندان دلاور چه کسانی هستید، بگوئید که پدرانانتان برای فردای سرخ زحمتکش رزمیدن و بگوئید پیروزی از آن آلمان سرخ پدرانانتان است.

دستان بسیار کوچکتان را میفشایم و در انتظار گامهای محکمستان در راه پدران قهرمانانتان هستیم. سازمان ما مصمم است که سرخ پدران شما را ادا خواهد داد. وفاداری شما نیز به آلمان آنها، تنها با ادا مراه پدران قهرمانانتان امکان پذیر نخواهد بود!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۸/۱۴

چهارمین سالگرد شهادت رفیق محمد حاج شفیعیها را گرامی می‌داریم



در آخرین هفته‌ایان ماه سال ۵۵ بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران، یکی از انقلابیون فدائیکاران که با الهام از انقلاب دمکراتیک و فداکاری میربا لیبستی توده‌های تحت ستم میهن ما به مبارزه برخاسته بود، از دست داد.

رفیق محمد حاج شفیعیها در آن سالهای سیاه که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان‌های سخت نبرد محک زده میشد، در یکی از خیابانهای تهران بدست جلادان رژیم شاه به شهادت رسید.

رفیق در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد و پس از تحصیل در دبیرستان شریعتی (پهلوی آن زمان) وارد دانشکده پلی تکنیک تهران شد. در سال ۵۰ برای دربرگزیر رفیق، شهید مرتضی که دانشجوی دانشگاه شیراز بود، به اتفاق یک دانشجوی دیگر در اثر انفجار بمب شهید شد. برخلاف ادعای رژیم که اعلام کرد آنها در حال ساختن بمب شهید شده‌اند، رفیق محمد معتقد بود که ساواک در اطاق او بمب گذاشته است.

پس از این حادثه رفیق مجدداً دانشکده خود دست به افتخاری وسیع زده و سپس برای ادامه مبارزه انقلابی مخفی شد. رفیق با پذیرفتن علم‌رهای زحمتکشان و گرویدن به ماکسیسم - لنینیسم در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق به فعالیتهای انقلابی اش ادامه داد. در یکی از مبارزین فعال در بخش کارگری سازمان بود. در انتشار نشریه کارگری "قیام کارگر" نقش ارزنده‌ای داشت. با رفیق و همزمانش، تحلیل از مبارزه فرزندان راستین خلق و تجدید عهد با آرمان مبارزینی است که با مرزبندی با سازشکاری و دور از حساگری‌های سیاسی در راه دشوار انقلاب قهرآمیز توده‌ها به پیکار برخاسته و اعتقاد داشت خود را با عمل انقلابی درآمیختند. ما با بزرگداشت یاد رفیق شهیدمان به آرمان او که پیروزی سرخ‌رها را زحمتکشان را توبه می‌دهد سوگند می‌خوریم که با تمام توان خود مبارزه طبقاتی را بر علیه کلبه دشمنان طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان و در کنار آنان تا سر منزل پیروز - مندرش به پیش ببریم. -

یادش گرامی باد!

یاد رفیق شهید بهرام آرام را گرامی می‌داریم

سخن از یاران شهید و گرامی‌داشت مبارزه انقلابی رفقای که با الهام با عشق به انقلاب توده‌ها علیه رژیم وابسته شاه و امپریالیسم مبارزه کرده و در راه آرمان والای زحمتکشان به شهادت رسیده‌اند، تحلیل از انقلاب است. درسی است که از یاد بیداریها، فداکاریها، شکستها، پیروزیها کمی و کاستی‌های این مبارزه گرفته می‌شود. ما را در ادامه راه سرخ انقلاب و پیروزی در پیشتبرد پیروزمندان به مبارزاتمان یاری می‌دهد.

رفیق شهید بهرام آرام از انقلابیونی بود که از آغاز جوانی همه توان خود را در خدمت رهای زحمتکشان و مردم تحت سلطه میهن ما قرار داد. رفیق بهرام مجاهدین شهیدان محترمانی و حبیب رهبری در یک گروه مبارز مذهبی فعالیت میکرد. این شهید در سال ۴۸ به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمد. شور و توان انقلابی رفیق، از او انتظار داشت که در کارآمدی ساخته شود که پس از آنها جستم وحشیانه جلادان رژیم شاه به سازمان مجاهدین خلق در شهریور ۵۵ توانست در نجات بقایای سازمان نقش تعیین کننده‌ای ایفا نماید. پس از دستگیری عده‌ای از مسئولین و کادرهای سازمان بهرام بویژه مجاهدین شهید مشکین فام، بدیع - زادگان و حنیف نژاد، سازمان عملا درهم ریخته

۲۶ سال از شهادت دکتر حسین فاطمی می‌گذرد

دکتر حسین فاطمی وزیر خراج و دکتر محمد مدیر خراج روزنامه "باختر امروز" که بهرامنه جنایات دربار منگور پهلوی را افشا میکرد، در ۱۹ آبان ماه سال ۱۳۳۳ در حالیکه ۴۰ روز از اعدام غدای او میگذشت با تنی تنب در بدست مزدوران امپریالیسم تیرباران شد. دکتر فاطمی مبارزترین عضو دولت مصدق بود که در مهر و موم کاخهای سلطنتی نقش مهمی داشت و به علت افشاگریها و مبارزه اش علیه خاندان کثیف پهلوی هدف توطئه‌های گوناگون ارتجاع بود و بخاطر همین مبارزه بود که هدف مخالفتهای آیت الله کاشانی نیز قرار داشت و از سوی "فدائیان اسلام" هنگامی که بهرمزار شهیدای ۳۰ تیرسخنرانی میکرد در معرض ترور قرار گرفت ولی جان سالم به در برد (۱۰). او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان در راه دفاع از استقلال و آزادی میهن بشهادت رسید. موضعگیری شدید او علیه انگلیس و دخالت امپریالیستها در امور ایران و ضدیت او با دربار شاه او را بعنوان چهره دمکرات کابینه مصدق در تاریخ ایران جاودانه می‌سازد.

یادش گرامی باد!



بود. رفیق بهرام در میان زمان در کنار مجاهدین شهیدان حمود و رهای با تلاش پیگیر سازمان را از بحرانی تلاشی خارج ساختند. رفیق در آن سالهای خفقا که کادرها و اعضای سازمان تحت پیگرد فاشیستی گشتی‌های پلیس و ساواک قرار داشتند با روحیه‌ای مقاوم و تحمل سختیها، آنها را کمک و یاری میکرد و به آموزش سیاسی و نظامی آنان همت میگذاشت و با تحمل دشواریهای فراوان به وظایف خود در رهبری تشکیلات پیگیرانه ادامه داد. او با رها توانست با هشاری از دام مزدوران ساواک جان سالم به دربرد. قائل به فعالیت مبارزاتی و توانایی‌های انقلابی وی، رفیق بهرام را در مرکزیت سازمان قرار داده بود. او در چارچوب مشی انقلابی (هز چند خرده بورژوازی) جریکی در نقش فرماندهی مشورتی در کلیه عملیات مهم نظامی سازمان بر علیه رژیم شاه و امپریالیستها در پیشتبرد و سازماندهی مبارزات انقلابی سازمان شرکت فعال داشته و جمله بین فعالیتهای انقلابی، اعدام انقلابی مستشاران آمریکایی، اعدام مرتزبان زندی پور (رئیس کمیته مشترک ساواک - شهرپانی) انفجار شهر داری شیران نو (که در آنجا نه‌های زحمتکشان بر سرشان نقش فعالی داشت) و را میتوان نام برد. نفی مشی غیر پرولتری چریکی نمیتواند ما را به نفی مبارزه انقلابی فرزندانمان برکف خلق که با توانی ارزشمند سازماندهی مبارزات انقلابی آن زمان می‌پرداختند و اداره، توان و قدرتی که در ادامه خود و بهر بر خوردهی انتقادی و طرد مشی غلط توانست سازمان را در خدمت پرولتاریا و اهداف او قرار دهد.

رفیق بهرام در جریان تغییر و تحولات درون سازمان در موضع رهبری نقش مهمی داشت و به همین جهت ما در برخورد به این دوره از عملکرد "بخش منشعب" با اشتباهات رفیق نیز مرزبندی کرده و اشتباهات انقلابی از رفیق را بعنوان فردی موثر از کار رهبری فرا موش نمیکنیم (به اطلاعیه مه‌ما ۵۷ و تحلیلی بر تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین - فروردین ۵۸ - مراجعه کنید) ما با آگاهی به این نکته که این اشتباهات - هر چند که اثرات بسیار زیانبار را آورد - در جریان یک مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه و در درون جبهه انقلاب

بقیه در صفحه ۲۳

کمکهای مالی دریافت شده

تهران:	م	ز	ا
الف	۸۶۶۰	۲۶۲۱۰	۱۰۰۰
ب	۸۲۷۰	۲۱۰۱۰	۶۰۰۰
ج	۵۵۰۰	۵۲۴۰۰	۲۲۰۰۰
د	۶۰۲۰	۸۲۰۰	۴۵۰۰
هـ	۷۳۰۰	۶۰۰۰	۱۱۰۰۰
و	۵۸۰۰	۱۲۹۰۰	۴۵۰۰
ز	۲۶۵۰۰	۲۰۰۰	۸۵۴۰
ح	۱۶۰۰۰	۶۳۰۰	۳۰۰۰
ط	۲۳۶۰	۵۰۰۰	۲۷۰۰۰
ی	۳۱۰۰	۱۵۰۰۰	۲۵۲۰۰
ک	۱۴۹۰۰	۷۰۰۰	۷۵۰۰
ل	۱۴۴۰۰	۷۰۰۰	۲۵۲۰۰
م	۱۱۱۰	۲۲۰۰	۴۲۰۰
ن	۹۰۰۰	۲۴۰۰	۲۴۰۰
س	۷۸۰۰	۱۱۰۰۰	۲۹۰۰۰
ع	۲۴۰۰	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
ف	۴۳۰۰	۲۱۰۰	۱۵۰۰
ق	۱۲۲۰۰	۳۰۰۰	۲۱۰۰
ک	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ج	۲۷۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
د	۱۲۵۰۰	شیراز:	
هـ	۷۵۶۰	الف	
و	۳۳۷۰	ب	
ز	۲۱۰۰۰	ج	
ح	۵۰۰۰	د	
ط	۲۴۰۰	هـ	
ی	۴۴۰۰	و	
ک	۴۴۰۰	ز	
		ح	

تهران

- ۱- رفقای هواداران اقلیت سازمان چریکهای فدائی در کرمانشاه: کمک شما شامل لباس، پتو و... بدست پیشمرگان رسید.
- ۲- رفیق س ۵۰۰۰۰ ریال جهت پوشاک پیشمرگان
- ۳- رفقای محلات شرقی برای کردستان ۱۰۰۰۰ ریال
- ۴- رفیق س (پزشک) ۵۰۰۰۰ ریال
- ۵- رفقای چاپ ۵۰۰۰۰ ریال
- ۶- رفیق م ۲۰۰۰۰۰۰ ریال و لباس برای پیشمرگان
- ۷- رفیق سربا وظیفه ۶۰۰۰۰
- ۸- رفیق فرا مرز - ح ۱۰۰۰
- ۹- رفیق س - م ۲۰۰۰۰
- ۱۰- رفیق امیر هدیهات رسید.
- ۱۱- رفیق عاطفه ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۲- رفیق کارگر - الف ۱۲۰۰۰ ریال
- ۱۳- رفیق سربا نصف حقوق ۱۱۵۰۰ ریال
- ۱۴- رفقای هواداران - م - ف ۵۰۰۰۰ ریال

شیراز:

- ۱- رفیق زندانی ۱۰۰۰۰ ریال
- ۲- رفقای دانش آموز ۱۱۰۰۰ ریال
- ۳- رفقای دانش آموز ۳۶۳۰۰۰ ریال
- ۴- الف - م ۲۰۰۰۰ ریال
- ۵- الف - م - و - ح ۲۰۰۰۰ ریال

کرج:

- ۱- هواداران سازمان در کارخانه ۲۰۰۰۰ ریال
- ۲- معلمین هواداران ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ۳- آمرنیا (ا - م) ۳۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۴- دیپلمه های بیکار هواداران ۲۰۰۰۰ ریال
- ۵- هواداران دروزر با ۳۰۰۰۰۰

شیراز:

- ۱- رفیق کشف ۵۰۰۰ ریال
- ۲- رفیق کارگر تراکتور سازی ۲۰۰۰ ریال
- ۳- غ - م ۳۰۰۰ ریال
- ۴- رفقای هواداران ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۵- رفیق ق - رازارد سیل ۵۰۰۰ ریال

بندرانزلی:

- ۱- رفیق سید ۲۹۰۰۰۰

برنامه نویسی برای جنبش دانشجویی خارج فراهم گشت. پس از قیام مسلحانه توده های بهمن ماه و بازگشت عده کمتری از رفقای انقلابی و با تجربه جهت ادا مه مبارزه در ایران و توفیق نسبی توده های دانشجویی رژیم جمهوری اسلامی حرکت این جنبش به گندی گرا شد.

همو دشمار و مرد ابعاد تشکلات دانشجویان - م - ل که بعنوان مرمترین وظیفه دانشجویان کمونیست در این مرحله از انقلاب و تبعیض و محبت ترس آلت ترنا تبو جهت تبلیغ و ترویج ایدئولوژی - م - ل در بین توده های دانشجویی پرورش و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک و سازماندهی آنان در راه آرمان والای زحمتکشان و در راه آن طبقه کارگر و طایفه پس سنگینی را بر عهده ما نهاد است ما سعی خواهیم کرد که در حد توان خود در اجرای رهنمودهایی که توسط شما رفقای انقلابی ارائه میگردد کوشا باشیم و با سخاویتی به مسائل جنبش دانشجویی سهم کوچکی از وظایف نیروهای کمونیستی را در جنبش خلق به عهده گیریم.

مرگ برای میربا لیسما آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ برای میربا لیسما و رتاج دا خلقی!

مستحکمترین دهن و جنبش انقلابی دانشجویان با جنبش انقلابی توده ها! پیروزی دمبارت دمکراتیک - خدا میربا لیسما خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

اتحادیه دانشجویان و معلمین ایرانی در خارج از کشور هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۱

۲- رفیق فرهاد ۵۰۰۰۰

۳- رفیق آریا ۳۰۰۰

بوشهر:

- ۱- رفقای هواداران ۲۵۰۰۰۰ ریال
- ۲- م - پ (دانش آموز) ۵۰۰۰ ریال

بندرانزلی:

رفقای هواداران ۸۰۰۰۰۰ ریال

لالی:

رفیق ع ۲۰۰۰ ریال

خرم آباد:

رفقای هواداران ۷۰۰۰۰ ریال

بروجرد:

رفقای هسته دانش آموزی (درفش) ۳۰۰۰

اصفهان:

رفیق ش - د هدیهات رسید

رفیق هواداران در برابر لاینگاه ۱۰۰۰۰۰ ریال

رفیق (کارمند) ۳۵۰۰۰

رشت:

رفیق خیاط ۱۰۰۰۰ ریال

سنندج:

رفقای هواداران ۴۰۰۰۰

مادریکی از پیشمرگان ۶۰۰۰۰

رفیق کارگر ۵۰۰

رفیق دانش آموز ۵۰۰

رفیق کارمند ۱۰۰۰ ریال

رفقای هواداران ۵۰۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۱۱ گزارش...

سپهنا میرزا غا زکود و با موفقیت در روز ۲۲ سپتامبر با بیان داد، از دستاوردهای این سمینار تصویب اساسنامه موقت و تشکیل "اتحادیه جهانی دانشجویان و معلمان ایرانی در خارج از کشور" و با راهکارهای بیکار در راه آزادی طبقه کارگر بود.

رفقای!

جنبش رو به اعتلای خلقهای فخرمان ایران که از بحران عمیق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی میهن مانا شای میشود، همچنان انا مدد را در خاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز، که بنا بر - ما هیتش نه میخواهد و نه میتوانا ندیا سخگسوی نیازهای توده زحمتکشان میهن مانا با تدا و جگیری مبارزات زحمتکشان را بدنبال داشته و با پس مبارزات توده ها به خود به سیل بنیان کنی تبدیل خواهد شد که با تسلط بر سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را در هم خواهد کوبید.

رفقای انقلابی!

جنبش انقلابی دانشجویی در خارج از کشور که در طی سالان گذشته با مبارزه سیاسی امن علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و میربا لیسما ها، در و روند و بر شد خود با رهنمودهای سازمانهای انقلابی داخل در مرحله اول قادر گشت تا از زیر بار رتاج و ایدئولوژیست ها حاکم بر سازمانهای سیاسی خارج بیرون آید. اما با تسلط ضعف جنبش کمونیستی ایران و تسلط مشی غیر پرولتری چریکی بر این سازمانها بخشهای مهمی از آن به جریانه های پشت جبهه ای تبدیل گردید. توده های رکیستی پشت جبهه از شکوفاشی استعدادها کاست و مانع از ایجاد صف مستقل دانشجویان - م - ل در میان توده های دانشجویی خارج گردید.

اما با رد و نفی رکیستی - لنینیستی این تروتسک ها رفقای انقلابی امکان ارائه

بقیه از صفحه ۱۲ جنبش...

مبارزه خلق کرد، جزئی از مبارزه ملی و طبقاتی خلقهای ایران بر علیه رتاج حاکم و امپریالیسم در عالیترین شکل خود میباشد جذب شدن اقشار وسیعی از دهقانان و زحمتکشان شهری به طرف نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها در کردستان از وجود شرایط انقلابی وحدت مبارزه طبقاتی حکایت میکند. کمونیستها باید با تمام قوا از جنبش مقاومت خلق کرد بهر علیه رژیم حاکم شرکت نمایند و شرکت آنها باید با هدف سازماندهی نظامی - سیاسی مبارزه خلق کرد و گسترش آن به سایر مناطق و جلب پشتیبانی طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران از خلق کرد انجام گیرد. کمونیستها نباید فراموش کنند که بویژه در شرایط جنگی کنونی، لبه تیز مبارزه خلق کرد، باید ارتجاع حاکم و بورژوازی خود را هدف قرار دهد. ما در توضیح موضع مشخص جنبش مقاومت خلق کرد در مقابل جنگ ایران و عراق در فرصت دیگری بحث خواهیم نمود.

شرایط مجلس برای آزادی گروگانها: هیاهوی بسیار برای هیچ

شرایط مجلس شورا برای آزادی گروگانها بالاخره اعلام شد، این شرایط بسیار زلفتراز حتی آن چیزی است که بنظر می آمد. شرط اول را البته امپریالیسم آمریکا همواره همه معاهده های بین المللی امضا کرده است (ماده اول اینست که آمریکا قول بدهد در مورد اخلی ایران دخالت نخواهد کرد.) ولی همواره امپریالیسم برما هیت طبقا تیش، وحشیانه خلقهای جهان را استثمار، غارت و سرکوب نموده است. قولی که مجلس از امپریالیسم - خواهیگیرد، درحقیقت خاک پا شدن به چشم توده ها است. کمونیستها به توده ها میگویند که امپریالیسم برما هیتش، توده های جهان را استثمار میکند و ما قمارآوردادهای امپریالیستی، ورق پا رها می بیش نیستند زمانی امپریالیسم در کشورهای دیگر نمی تواند مدخله کند که سلطه را در کشور خود بنا بود کرده و از مبارزه خلقهای دیگر نیز در این

بقیه در صفحه ۲۰

یادداشت های سیاسی هفتگی

بنی مدرم که از مدتها پیش حتی نامش در اخبار تلویزیون پس از نام رجا می و یا برخی آیت - الله ها می آمد اعلام کرده با صدا و سیما - جمهوری اسلامی دیگر نمایه نخواهد کرد. (میزان ۱۲ آبان)

اختلاف میان لیبرالها و حزب جمهوری آنچنان بالا گرفته است، که لیبرالها تمام بنی صدر، رئیس ستاد ارتش، فرمانده نیروی زمینی، وزیر دفاع و چمران (در جلسه شورای عالی دفاع در ۹ آبان شرکت نکردند، در عوض "حزبی ها" نیز بدون شرکت لیبرالها در این جلسه، قاضی وضع کردند که به آنها اجازه می - دهد دست به توقیف نشریات لیبرالها بزنند. بنی مدرم کارنا مهر رئیس جمهور کماکان به رقبایش نیش میزند و در عوض حزب جمهوری نیز شدیداً به آنها حمله میکند، معاً دیخواه نمایند مجلس روزنا مه انقلاب اسلامی را در خط آمریکا دانست و تلویحا بنی مدرم را بخاطر نوشتن مقاله - ای در مورد تخمس، آمریکا می نامید!

بقیه در صفحه ۱۸

"جنگ و" "جنگ قدرت جناحهای رقیب رژیم"

جنگ اگر "تندیج" دیگری برای نیروهای کمونیستی بود، تا بخش پیگیر و نا پیگیر آنرا هر چه بیشتر عیان کند. سر بلائی تند دیگری برای هیت ها که نیز بود و هما نظر که رسم است، اسب ها در سر بلائی یکدیگر را گامیگیرند!

جنگ اگر چه بظاهرم مدت کوتاهی جناحهای رقیب در هیت ها که را سرگرم کرده اما حسد با بی مبارزه طبقا تیش، با دیگر بیشتر آنها را بجان هم انداخت. حزب جمهوری که در یک دوره با بدست گرفتن اکثریت مجلس و پست نخست وزیری قدرت بیشتری یافته بود، با شروع جنگ ایران و عراق خود را مواجها قدرت گیری هر چه بیشتر بنی مدرم و لیبرالها می بیند و میگوید با آنها هم خود برای حفظ قدرت های بدست آورده و افزایش این قدرت، به تضعیف قدرت حریف خود در قدرت سیاسی بپردازد. و در راه بطله با آنها حمید حزب جمهوری، در هفته گذشته بنی مدرم بطور کلی اعمال قدرت را در آدیو - تلویزیون، ایمن مرکز مهم تبلیغاتی واحد و زیادی از دست داد (۱).

هیت جاکمه و جنگ قدرت بر سر آدیو - تلویزیون

دعوائی که از ما هها بیش بر سر تما حسب آدیو و تلویزیون بین جناح بنی مدرم و "حزب جمهوری اسلامی" در گرفته، این روزها ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. بنا بر اهمیت که دستگا ههای تبلیغاتی بویژه آدیو و تلویزیون در جهت دادن به افکار عمومی دارد، هر کدام از جناحهای قدرت حاکم کوشش مینمایند که حاکمیت خود را بر آدیو و تلویزیون اعمال نموده و سیاست تبلیغاتی خود را بر آن حاکم گردانند. انتصاب و عزل مدیران از طرف یک جناح و مقاومت جناح مقابل، انتصاب مدیر اخبار از طرف آیت الله خمینی و کتاکشی که در "مجلس" بر سر نحوه انتخاب "شورای مدیریت آدیو و تلویزیون" در گرفته است، تبارزی از این جنگ قدرت برای بدست گرفتن کنترل این دستگاه

بقیه در صفحه ۱۸

محاکمه سعادت توطئه ای دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

بدنبال اعلام ممنوعیت انتشار نشریات "بازوی انقلاب" و "فرا دگود نشین" از نشریات سازمان محادین خلق، روز دوشنبه ۱۲ آبان با صلاح داستان انقلاب، طی اطلاعیه ای اعلام کرد که کلیه نشریات این سازمان اعم از روزنامه ها و اعلامیه ممنوع الانتشار رسیده و در صورت تخلف "طبق قانون دادگاههای انقلاب رفتار خواهد شد". پس از این اطلاعیه، رژیم بلافاصله آغا زما که محامدمحمد رضا سعادت را اعلام کرد.

آنچه که در این مورد تا بل تعمق است همزمانی ممنوعیت انتشار کلیه نشریات محادین خلق و محاکمه سعادت، با تصمیم گیری مفتضانه مجلس در مورد گروگانها و رابطه تمام مسائل فوق با جنگ ایران و عراق میباشد.

بقیه در صفحه ۱۹

چه کسانی بر علیه پیکار لجن پراکنی میکنند

در پی تشدید دشمنی با سازمان پیکار بخاطر موضع انقلابی و کمونیستی اش در عرصه مبارزه طبقا تیش و بخصوص جنگ غیرعادلانه کنونی رفقای گیلان، اعلامیه ای منتشر کرده و در آن دلیل تشدید فشار بر روی سازمان را افشا کرده اند. تشدید فشار در گیلان، چاب سرقا ل - در روزنامه ارتجاعی اطلاعات و مقاله ای در جمهوری اسلامی، تیرباران رفقا اشرقی، نیک اندام و دانشا در خوزستان و تشدید فشار در سراسر ایران نشانه این است که رژیم خائنه لبه تیز حمله خود را بویژه بسوی ما گرفته است. اما ما موظفیم با اتکاء به زحماتکنان به افشای جنایات رژیم برداخته و توطئه های جمهوری اسلامی را خنثی کنیم.

اعلامیه رفقای حوزه گیلان سازمان:

بقیه در صفحه ۱۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست